اعوذ بالله من الشیطان الرجیم
و به نستعین

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی اشرف الانبیاء والمرسلین اما بعد چنین گوید [illegible]
[illegible] نقطه [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

بشهر ری رفت [illegible] فرزندان ابراهیم بن [illegible]
حسن [illegible] و بولایت شیراز [illegible] چون بشهر شیراز رسید
وطن ساختند [illegible] فرزندان محمد بن عبد الله بن [illegible]
[illegible] و بولایت [illegible] چون
[illegible]
[illegible]
[illegible] وطن ساختند [illegible]
[illegible] وطن ساختند [illegible]
[illegible] فرزندان [illegible]
[illegible] فرزندان [illegible]
عبد الله بن [illegible] و بولایت [illegible] چون
وطن ساختند [illegible] فرزندان [illegible]
[illegible] و بولایت [illegible] خراسان [illegible] چون [illegible] وطن [illegible]
[illegible] بلقب [illegible]

و قصد اولاد [illegible] محمد سلطان ابن جعفر ابن موسی ابن جعفر حضرت امام جعفر

در ولایت دار المرز [illegible] شهر و بلاد موضع [illegible] سلطان محمد [illegible] ابراهیم ابن

[illegible] سلیمان ابن محمد ابن [illegible] ابن ابراهیم ابن محمد ابن عبد المطلب ابن [illegible] محمد ابن

محمد [illegible] در [illegible] سمرقند [illegible]

در سوق [illegible] مشهد [illegible] رشید بالقاب [illegible]

عبد [illegible] ابن [illegible] ابن محمد ابن یعقوب ابن حسن ابن مالک ابن ابراهیم ابن

محمد ابن عبد الله ابن امام [illegible] جلال الدین و عماد الدین و حسام الدین [illegible]

[illegible] جلال الدین و عماد الدین در ولایت جلال [illegible] موضع [illegible]

وطن ساخته [illegible] رشید [illegible] حسام الدین [illegible] عبد [illegible]

[illegible] مالک ابن ابراهیم [illegible] عبد الله ابن [illegible] حضرت امام [illegible]

امام حسن عسکری [illegible] الدین و [illegible] الدین در ولایت [illegible]

وطن ساخته و [illegible] ملک [illegible] ابن ملک [illegible] ابن ملک [illegible] ابن

اشرف ابن ملک سلطان ابن ملک محمود ابن ملک [illegible] ابن ملک سکندر

ابن ملک [illegible]

ابن ملک کیخسرو ابن ملک اشرف ابن ملک شاه بیران ابن

ملک شاه غازی ابن ملک یزدجرد ابن شهریار [illegible] سند [illegible]

خاندان حضرت امیر المؤمنین [illegible] رعایت [illegible]

آورده اند [illegible] زمان خلفای بنی عباس جمیع خلق [illegible]

[illegible] فرزندان ملک یزدجرد شهریار ملک عجم [illegible]

روز محبت حضرت امیر المؤمنین [illegible] جمعی [illegible]

[illegible] حضرت سید عبد الله ابن امام [illegible] و بولایت [illegible]

شهر [illegible] سید [illegible] محمد [illegible]

[illegible] ابراهیم ابن محمد [illegible] یعقوب

[illegible] حضرت امام [illegible]

[illegible] چون [illegible] خلفای [illegible]

[illegible] ولایت [illegible] فرزندان [illegible] ابن قاسم ابن [illegible]

[illegible] یعقوب ابن ابراهیم ابن محمد ابن یوسف ابن حسن [illegible]

[illegible] بالقاب [illegible] فرزندان احمد ابن [illegible] ابن رحمان ابن

همچنان اقامه وطن ساختند [illegible] مامون الرشید چون [illegible]
ممالک خراسان شد سلطان [illegible] در شهر طوس [illegible] حضرت علی ابن موسی الرضا
[illegible] شهر طوس [illegible] فرزندان امام موسی کاظم [illegible]
[illegible] چشم چون بولایت [illegible] جمع [illegible] عون بن امام موسی کاظم در
ولایت [illegible] خاوه [illegible] عون و سالم [illegible] خانم نام
مدت ده روز [illegible] قاسم ابن جعفر ابن امام محمد باقر [illegible] بعد از آن عون و سالم
[illegible]
[illegible]
حضرت سلطان [illegible] ابن موسی الرضا [illegible] مامون الرشید [illegible]
[illegible] قاسم [illegible] چون [illegible]
[illegible] حضرت قاسم [illegible]
[illegible] خلفای بنی [illegible]
[illegible] لشکر [illegible] جمع کرده [illegible] شهر [illegible]
از اولاد ائمه [illegible] چون [illegible]
[illegible] شهر داره فرزندان حمزه ابن عبد الله [illegible] شهرداره [illegible]
[illegible] در شهرداره [illegible] فرزندان

[illegible]

[illegible] چون خلفای بنی عباس [illegible] شهرداره
[illegible] فرزندان [illegible] امام [illegible]
[illegible] امام [illegible] در شهرداره
[illegible]
[illegible] شهرداره [illegible]
که چون مامون الرشید [illegible] حضرت امام رضا [illegible]
نامه باطراف [illegible] چون مامون [illegible]
[illegible] نامه باطراف [illegible] خروج
کرده [illegible] شهر [illegible] اولاد ائمه و فرزندان [illegible] حضرت امام موسی کاظم را
[illegible] ابن امام موسی کاظم [illegible]
[illegible] ولایت [illegible]
[illegible] مدت [illegible] روز [illegible] فرزندان
یوسف ابن امام موسی کاظم [illegible] ولایت [illegible]
[illegible] امامزادگان [illegible] فرزندان
محسن ابن امام موسی کاظم [illegible] شهید

کردند در موضع چشمه لبنان لا فرزندان ابراهیم ابن محسن بن لا [illegible] حمزه [illegible] رود
بولایت الموت [illegible] نهادند چون بالا [illegible] الموت رسیدند با او پسر و فرزندان خبر یافتند لا [illegible]
[illegible] الاعراب زاده [illegible] موضع [illegible] شهید کردند لا در اخبار او ورده اند
[illegible] العلیه لا حسن عسکری [illegible] شهید کردند به اطراف و جوانب فرستاد [illegible]
طالبان خروج [illegible] اولاد [illegible] شهر [illegible] امید [illegible] شهید
کردند [illegible] به اطراف و جوانب [illegible] پسر حسام الدین [illegible] فرزند [illegible]
پسر محمد [illegible] حسن [illegible] علیه التحیه و الغفران روی بولایت خراسان
نهادند چون بولایت خراسان رسیدند بموضع طبس [illegible] وطن ساختند ذریات
ایشان بسیار شدند بالقاب میر و میر محمد [illegible] پسر [illegible] میر ابراهیم [illegible] فرزند [illegible]
الدین و میر حسن و میر مهدی [illegible] میر عبدالله [illegible] فرزند [illegible] حسام الدین ابن میر عبدالله ابن
میر عبدالصمد ابن میر ابراهیم ابن میر [illegible] ابن میر یعقوب بن میر محمد ابن میر داود
میر حسن ابن میر [illegible] ابن ابراهیم ابن میر محمد ابن میر عبدالله ابن حضرت لا محمد [illegible]
روی بولایت شیراز نهادند [illegible] به شیراز رسیدند و وطن ساختند [illegible]
ایشان را [illegible] ولایت [illegible]

[illegible]

ساختند ذریات ایشان بسیار شدند میر حسن [illegible] فرزند [illegible] میر ابراهیم [illegible]
و میر ابراهیم [illegible] پسر [illegible] بعد از آن میر حسن و فرزندان [illegible]
روی بولایت الموت و طالقان نهادند چون بولایت الموت رسیدند میر محمد [illegible]
در موضع [illegible] وطن ساختند ذریات ایشان بسیار شدند [illegible]
میر و میر حسن [illegible] ابن میر [illegible] ابن میر محمد ابن میر حسام الدین ابن میر عبدالله [illegible]
ابن میر اسماعیل ابن میر محمد ابن میر عبدالله ابن حضرت لا محمد [illegible] فرزندان میر [illegible]
الدین [illegible] طالقان بموضع [illegible] وطن ساختند ذریات ایشان [illegible] بالقاب [illegible]
لا محمد [illegible] علیه السلام در اخبار اولاد [illegible] حضرت عباس بن علی بن ابی طالب
[illegible] فرزند [illegible] عبدالله و ابراهیم حضرت [illegible] شهید [illegible] فرزندان
[illegible] روی بولایت الموت نهادند [illegible] فرزندان [illegible]
کردند [illegible] ایشان [illegible] رسیدند [illegible]
[illegible] ایشان [illegible] چون [illegible] رسیدند [illegible] شهید کردند [illegible]
محسن ابن [illegible] روی بولایت طالقان نهادند چون بموضع [illegible] رسیدند [illegible]
[illegible]

در ذکر اولاد امام جعفر صادق علیه السلام حضرت امام جعفر را

شش فرزند [illegible] حضرت امام موسی کاظم و [illegible] اسماعیل و محمد و [illegible] و عبدالله

[illegible] ابن امام جعفر صادق [illegible] ناصر الدین و [illegible] سلیمان

[illegible] ابن امام جعفر صادق [illegible] ناصر الدین و [illegible]

[illegible] اسماعیل ابن امام جعفر صادق [illegible] حسن و حسین

و یوسف [illegible] و دانیال امام محمد ابن امام جعفر صادق [illegible]

[illegible] یحیی ابن امام جعفر صادق [illegible] یعقوب [illegible] چون معتصم [illegible]

حضرت امام جعفر صادق [illegible] قصد اولاد و ائمه کرد [illegible]

رو با اطراف [illegible] یعقوب [illegible] ولایت [illegible] چون [illegible]

[illegible] عبدالله ابن امام جعفر صادق [illegible]

[illegible] و صفیه و لطیفه [illegible]

معتصم [illegible] خروج کرد [illegible] اولاد و ائمه [illegible] حضرت امام [illegible]

[illegible] و محمد در ولایت [illegible]

[illegible] عراق [illegible] عراق فارس

[illegible] سید [illegible] شهر [illegible]

[illegible] چون [illegible] قزوین [illegible] خروج [illegible]

[illegible] بسیار کرد [illegible] امام جعفر صادق [illegible]

[illegible] ابن امام جعفر [illegible] چندان [illegible]

[illegible] قزوین [illegible] حسن [illegible] الملعون [illegible]

[illegible] شهر بیرون [illegible]

[illegible] قزوین [illegible]

[illegible] چندان [illegible] قزوین شهید کردند [illegible] ابن امام جعفر

در شهر قزوین [illegible] آمدن شهید کردند [illegible]

رو بولایت طهران [illegible] چون [illegible] شهر طهران [illegible] شهید کرد [illegible]

امام جعفر صادق رو بولایت [illegible] چون [illegible]

[illegible] الیاس [illegible]

[illegible] امام علی ابن امام جعفر صادق سید ناصر الدین [illegible]

رو بولایت [illegible] چون [illegible] حسن [illegible]

[illegible] سید ناصر الدین [illegible]

[illegible] سید [illegible]

بجوار رحمت حق پیوست حسین و سلمان را در شهر ساوه شهید کردند و مرقدهای
علی بن امام جعفر صادق از شهر قزوین رو بولایت طارم نهادند چون بموضع [illegible] رسید
ملحدان [illegible] را شهید کردند امامزاده ابراهیم ابن علی ابن جعفر ابن محمد ابن قاسم
ابن امام جعفر صادق از قزوین رو بولایت ده [illegible] نهادند چون بموضع ده [illegible]
رسیدند وطن ساختند و بعد از وفات ایشان مشهور شدند بالقاب جعفری [illegible] ابن جعفر
زین العابدین [illegible] ابن محمد [illegible] از [illegible]
[illegible] چون بموضع طهران رسید در زمان حسن [illegible] آمده [illegible]
[illegible] مدتی [illegible]
جلال الدین [illegible] فرزندان و برادران [illegible] کردند [illegible] ابن امام [illegible]
در زمان حسن [illegible] شهید کردند فرزندان [illegible] امام جعفر صادق [illegible]
و [illegible] و مالک و حارث از قزوین رو بولایت [illegible] نهادند چون
بموضع [illegible] رسیدند ایشان را شهید کردند عبدالله ابن حسن ابن [illegible]
[illegible] ابن امام جعفر صادق از قزوین رو [illegible] نهادند چون بموضع [illegible] رسیدند
وطن ساختند و بعد از وفات ایشان مشهور شدند بالقاب جعفری فرزندان محمد ابن امام جعفر صادق

طهران

عمران و برادران از قزوین رو بولایت فیروزکوه نهادند چون بموضع [illegible]
رسیدند ایشان را شهید کردند امامزادهای فرزندان اسمعیل ابن امام
جعفر صادق حسن و محسن و ابراهیم و دانیال و یوسف از شهر قزوین رو
[illegible] چون بولایت [illegible] رسیدند ایشان را شهید کردند فرزندان [illegible]
جعفر صادق یوسف و یعقوب در ولایت [illegible] وطن ساختند
ایشان مشهور شدند بالقاب جعفری یعقوب بن یحیی بن امام جعفر صادق از
قزوین رو بولایت [illegible] نهادند چون بموضع [illegible] رسیدند ایشان را شهید کردند
[illegible] و جعفر و عبدالله ابن امام جعفر صادق از قزوین رو بولایت
[illegible] نهادند چون بموضع [illegible] رسیدند [illegible]
[illegible] شهید کردند موضع
[illegible]
[illegible] ابن امام [illegible]
[illegible] فرزندان عبدالله ابن امام جعفر صادق [illegible]
و طیب رضا از قزوین رو بولایت [illegible] نهادند چون بموضع
[illegible] وطن ساختند و بعد از وفات ایشان مشهور شدند بالقاب جعفری

۱

عبدالله بن امام جعفر چهار دختر خلیفه و صفیه و لطیفه و نصیبه و فاطمه از او ماندند و ابو [illegible]
[illegible] حسن بن [illegible] سید [illegible] را شهید کردند

ذکر اولاد امام موسی کاظم و اولاد حضرت امام

موسی [illegible] فرزند بود مهین ایشان حضرت امام علی بن موسی الرضا و محمد و عبدالله و حسن
و فرض دختر احمد و محسن و [illegible] و محمد و عبدالله و [illegible] و طیب و حمید و ناصر و [illegible]
و محمود و احمد و رضا و شاه و رضا و امام و یعقوب و جعفر و محمد و [illegible] و ابوالعباس و [illegible]
و عباس و نوح و عمران و داود و صالح و موسی و عون و سالم و ذکریا و [illegible]
[illegible] و ابراهیم ابوجواب و یوسف دختران [illegible] [illegible] و [illegible]
عبدالله ابن امام موسی کاظم را شش فرزند بود مهین ایشان فضل [illegible] و [illegible] الدین و جمال الدین
و قوام الدین و صدر الدین حسن ابن امام موسی کاظم را سه فرزند بود [illegible] و حمید و [illegible]
و [illegible] و لطیف دختران زبیده و صالحه و زینب و فرض [illegible] امام
موسی کاظم را [illegible] فرزند جعفر و [illegible] و حیدر دختران خلیفه و [illegible] و [illegible] و محسن ابن
امام موسی کاظم را سه فرزند بود [illegible] و جابر و ابوذر [illegible] ابن امام موسی کاظم را شش فرزند
بود [illegible] و [illegible] دختران [illegible] و رقیه و فاطمه عبدالله امام موسی کاظم [illegible]
[illegible]

یازده فرزند بود مهین ایشان [illegible] و [illegible] و [illegible] [illegible] [illegible] و [illegible]
و عون الله و عزیز الله و حبیب الله [illegible] ابن محسن بن امام موسی کاظم را [illegible] فرزند
[illegible] ابن امام موسی کاظم را [illegible] بود مهین [illegible] و [illegible] و [illegible] و حمزه
و محمود و احمد و [illegible] و شاه و رضا و [illegible] و امام و یعقوب و جعفر و محمد و [illegible] و العباس و [illegible] رضا
و عباس [illegible] ابن امام موسی کاظم را [illegible] فرزند بود [illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible]
و [illegible] و عمران ابن امام موسی کاظم را شش فرزند بود جلال و رضا [illegible] و [illegible] و [illegible]
[illegible] و [illegible] و [illegible] امام [illegible] ابن امام موسی کاظم را چهار فرزند بود حسن و ابوطالب و [illegible]
و [illegible] ابن امام موسی کاظم را هفت فرزند بود مهین ایشان [illegible] و [illegible] الدین و صدر الدین و [illegible]
و یوسف و کریم الدین [illegible] ابن امام موسی کاظم را [illegible] فرزند بود عبد [illegible] و [illegible] و [illegible]
[illegible] و [illegible] و ناصر و طیب ابن امام موسی کاظم را [illegible] فرزند بود [illegible] و رضا و جعفر و داود و [illegible]
محمد و احمد و [illegible] و [illegible] فخر الدین و شرف الدین و عبدالله و [illegible] و [illegible] و داود و [illegible]
[illegible] ابن امام موسی کاظم را [illegible] فرزند بود یونس و عیسی و داود و [illegible] [illegible] ابن امام موسی کاظم
[illegible] فرزند بود عون ابن امام موسی کاظم را چهار فرزند بود جعفر و العباس و [illegible] و [illegible]
[illegible] و یعقوب و [illegible] و مالک [illegible] ابن امام موسی کاظم را شش فرزند بود [illegible]

و عقب ... داده جعفر را یحیی ابن امام موسی کاظم را شش فرزند بود سید محمد و زینب
و محمد و حسن و حسین و ابوطالب و طاهر و دختران زبیده و سکینه امام اسمعیل ابن امام
موسی را ... فرزند بود محمد و صابر و ثابت و نعمت و سعید و [illegible] امام ابو تراب
ابن امام موسی کاظم را ... فرزند بود مالک و صادق و معصوم و صالح و رحمان و
زبان و محمود و علی امام احمد ابن امام موسی کاظم را شش فرزند بود محمد و شمس الدین و حسین
و یوسف ... که در زمان حضرت امام محمد تقی ... ابن خواجه نورک ابن عبدالله
ابن قاسم ابن شمس الدین ابن حسن ابن یوسف ابن محمد ابن عباس ابن یحیی
نوروز ابن محسن ابن امام موسی کاظم از ... کرمان رو به ولایت [illegible]
چون به ... رسید وطن ساختند ... بسیار رسید بالقاب نوروزی ...
که در زمان ... شاه و برادران که از برادران ...
... [illegible] ... ابن عبدالله قاسم ابن شمس الدین
ابن حسن ابن یوسف ابن محمد ابن عباس ابن مهدی ابن نوروز ابن یحیی ابن امام
موسی کاظم در ولایت ... خواجه نورک ... شاه ابن ...

احمد ابن ...

سید محمود ابن سید جلال الدین ابن سید ... ابن سید ابراهیم ابن سید ... ابن
سید محمد ابن سید یعقوب ابن سید عبدالله ابن حضرت امام محمد تقی ...
... که ... خواجه نورک ... شاه ...
خواجه نورک ... صالحه ...
... امام موسی کاظم ... نوروز ...
بولایت ... وطن ساختند ... بسیار رسید بالقاب
و بعضی القاب ... ابن نوح ابن امام موسی کاظم را ... فرزند بود
و مالک و حسن امام ... ابن امام موسی کاظم را شش فرزند بود ابوطالب و
ابو تراب و ابو الوهب و عبدالله و رزاق و جعفر امام محمود ابن ...
امام موسی کاظم را ... فرزند بود علی و یعقوب و حمزه امام عبد ...
احمد ابن امام موسی کاظم را شش فرزند بود داود و عقیل و یوسف و حسن و
محمود و احمد و مختار ابن امام موسی کاظم را ... فرزند بود عیسی و یحیی امام هارون ابن امام
موسی کاظم را شش فرزند بود خالد و شعیب و لقمان و ... و طیب امام
ابوطالب ابن امام موسی کاظم را ... فرزند بود یوسف و حسین ... اورده اند

حضرت امام موسی را چهل و سه فرزند بود و چهار زن و شمار شیعه ده هزار کرور
زن بود پس از وی همه اولاد امام موسی نسب وا ماندند هر گاه حضرت سوار شدی با صحابه
در معرض کرد فرزند و فرزندزادگان او را در گهواره گذارندند و در شهرها کنند تا
خلق عالم ظاهر شود اولاد و اتباع او در صحیح آمده فرزند
که امام می شنیدند در اخبار ائمه اطهار چون مامون الرشید حضرت علی بن موسی الرضا را
از مدینه بشهر طوس برده و شهید ساخت جمله فرزند و فرزندزادگان امام موسی از مدینه
رو بولایت خراسان نهادند چون بولایت ساوه و چهلفرغ رسیدند در
که حاکم چنان آمده و مجال ... امامزاده حسن بن
موضع را شهید کردند و بعضی را جهت تن مبارک ایشان
چون شنیدند امامزادگان رو باطراف و جوانب ... امامزاده عبدالله
در ولایت ساوه و چهلفرغ موضع ... رسیدند ... کرده
بالاخره امامزاده عبدالله ... امامزاده ... چندان حرب کرد

لا فرزندان اسد ابن امام زین العابدین چون از مدینه منوره رو باطراف و جوانب
نهادند بعضی بولایت نیشابور افتادند و بعضی بولایت شیراز الا اسد بن حسین بن امام
را در شهر شیروان شهید کردند امامزاده محمد بولایت نیشابور افتادند چون بشهر رسیدند ایشان
لا اسحق و یونس بولایت تبریز افتادند وطن ساختند در سال ... ایشان ... شدند
در ولایت مازندران افتادند ایشان را شهید
رو باطراف و جوانب نهادند یعقوب و فرزندان وی از مدینه از شهر نیشابور
رو بولایت ری نهادند چون بشهر ری رسیدند ایشان را شهید کردند
ساوه و چهلفرغ افتادند چون بموضع گولان رسیدند ایشان را شهید کردند محمد
مطلب در شهر قم افتادند وطن ساختند و در سال ... ایشان ... رشید ابرار
و محتار در شهر ساوه افتادند چون بشهر ساوه رسیدند ایشان را شهید کردند
ولکعن در ولایت کاشان افتادند چون بشهر رسیدند وطن ساختند در سال
بسیار شد امامزاده ... بن ... ابن محمد حسین ابن امام زین العابدین
رسیدند ایشان را شهید کردند در اخبار اوصیا آمده که در زمان حضرت امام حسین با فرزندان
و محمد صغیر ... بسیار شهید گشتند ... حضرت امام ... وصیت کنند که

زبیده خواتون را العقد در حرم قاسم در اردوی امام حسین از مظلومان بود اول
بگویند که شما مرا از بصره قاسم الله نیز رسانند چون زید ابن سعد ملعون که حضرت
شبیر را از جمع که بردی حضرت امام بستند مگر رشید شمر که بگویند چون این مطیع و در
زمانی که گرفتار شدند مرا چون که او را شهید کنند چون نوبت به سیم رسید حضرت
او را در کنار گرفت و لقمه ای بود و بود ازار حسن با کنار او را چرا وصیت
خواتون را العقد نمود در حرم ای جان عم نوشاد و بخش من وصیت میکنم
قاسم ابن حسن گفت ای عم بزرگوار امروز روز عروسی است ملکه و حجت ...
الغرض حضرت بفرمود تا زبیده را بصورت عروسان آراسته کردند و دست او را
حضرت امام گرفت تا در حضرت قاسم آوردند و حضرت قاسم مشغول در حجله خویش صحبت
شهید شد نماز و نطفه در حرم قرار گرفت چون حضرت امام زین را با اولاد و اصحاب شهید
شهدا نمود زبیده خواتون را با اولاد دیگر از ایشان بسیار ماتم داشت در
در هر گاه جمیع اهل حرم در عقب شهدا بود و زبیده خواتون از پیر را بازیافت انتهای
میرسید که از مخالفان رو رفتاری با آن ره رفتاری چون با اولاد ایشان رسیدند و در
شهر دیگر الغرض شهر بلد و زبیده را قاسم دروی ... چون از ... بدرسید

مبارک

نیا لبد و کفن پرورد کار انو سید ایا بعد از حضرت سید الشهدا
زنده با ملاحظه چشم مخالفان بر من اقتدار و سبان قاجار پرده و در عقب
شکافته شد در میدان شهدا نوحه در غار رفته زبیده و این کار را
گرفت گفت ای مادر که چرا بی کس ماند ... فاطمه را از خدمت
من بازی شهرها دختر خود را کشت ... از ابنا سوء ... حیرت
شوهر به غار رفته زبیده خواتون تنها با ما کنیز آنجا رفت
نام زن را العقد چون شنید دختر امام حسن بود ... وطن ساخته ان
زن در خدمت وی آمده چندان بعد فرزند متولد شد قاسم نام ... شاهزاده
شهرها رفت تا نجم ... شمر ... بر دند بر کرد و شتر ... جمع
کرد و قصد اولاد ای ... چون اولاد ... اولاد ... فرزند ... سعد
ملعون ... مشایخ ... شمران جا ... از ...
قاسم ... و ولد ... است چون ... شنید ...
شهرها ... قلعه ... بیرون آمدند ...
خبر دار گشتند الغرض ... آمدند ... از دست ...

لا از لهو ... قاسم ... الله

و باز کشته شد الکه و لشکریان قاسم را بر موضع در بند علیا بردند چون کشته شدند [illegible]

سر مبارک قاسم ابن حسن بر سر او نهاده از قبر او از ملازمان صلیب جدا کردند [illegible] الی ابد

اللهم قاتل قاتلان [illegible] بنفرین [illegible] و رسول [illegible]

اولاد و ذریه حضرت امام حسن را چهار فرزند بودند

اسامی قاسم و عبد الله و زید و حسن و حضرت امام [illegible] از فرزندان [illegible] حفظ کردند

امام قاسم و عبد الله را در زمین کربلا شهید کردند زید و حسن باقی ماندند [illegible] را

مثنی فرزند بود بدین اسامی سالار و عبد الله و محمد و ابراهیم و فضل و حارث و [illegible]

نام حسن بن الحسن چهار فرزند بود بدین اسامی محمد و احمد و محمود و یعقوب و ادریس و زید

و حارث و قاسم و طیبه [illegible] جمشید و [illegible] مصطفی و ابو تراب الحسن بن زید [illegible]

حسن را فرزند بود [illegible] و قاسم و [illegible] و سلطان و [illegible] و عمران سالم و سعید

از [illegible] ابن زید ابن الحسن [illegible] فرزند بود بدین اسامی [illegible] عبد المطلب و جعفر و [illegible]

و عبد المجید و فضل ابن زید ابن الحسن [illegible] فرزند بود بدین اسامی [illegible]

و بریان و عمران و کنعان و طالوت سالم و یعقوب [illegible]

ابراهیم

ایوب و عزیز و شعیب و کامل و [illegible] و حامد و واحد و غفار و یونس بن حسن

ابن امام حسن را چهار فرزند بود بدین اسامی [illegible] و [illegible] الحارث

ابن امام حسن را پنج فرزند بود بدین اسامی مالک و ملک و [illegible]

ابن عبد الملک [illegible] فرزند [illegible] شهید [illegible] اولاد [illegible] امام حسن

روی باطراف و جوانب [illegible] امام محمد ابن [illegible] ابن امام حسن [illegible] فرزند یوسف نام

[illegible] نام در زمان [illegible] شهر دمشق شهید [illegible] و [illegible] دختر [illegible]

امام حسن ابن حسن [illegible] فرزند در زمان عبد الملک [illegible] و [illegible] اولاد [illegible]

چون [illegible] شهید [illegible] شهید کردند [illegible] حسن [illegible]

باقی فرزندان و اولاد [illegible] شدند [illegible] این [illegible]

[illegible] شهید [illegible] زنده [illegible]

در ولایت [illegible] موضع [illegible] شهید [illegible] جعفر و فرزند [illegible]

محمد حسن ابن الحسن و لقمان و یزدان و بریان و عمران و کنعان و طالوت [illegible]

در [illegible] موضع [illegible] شهید [illegible] مبارک [illegible]

[illegible]

دمشق

[illegible]

[illegible]

با فرزندان خود و اولاد کان را دفن کرد [illegible] بقبر برادران خود گنبد کشید تا حال

نشنوند از این سبب القاب ایشان با جهد [illegible] عمارت و ادب [illegible]

و این زائر شد [illegible] خیرات شدند و اکثر [illegible] جهت بسیار رسید چون [illegible]

بجوار رحمت حق پیوست مرتضی و ابو [illegible] مازندران [illegible] وطن ساخته ذریات

ایشان بسیار شدند با القاب [illegible] با فرزندان از شهری [illegible] و بولایت قم [illegible]

چون هر جائی رسیدند ایشان را شهید کردند [illegible] ابن حسن با فرزند [illegible] کنعان

قم شهید کردند قاسم ابن عبدالله لاه حسن را در [illegible] در موضع [illegible] خندان [illegible]

لا [illegible] را در [illegible] در موضع آب باریک شهید کردند [illegible] عبد

در ولایت [illegible] این موضع [illegible] شهید کردند عبدالمناف عبدالمطلب و ابراهیم را در [illegible]

رستاق شهید کردند خضر و الیاس بن ابراهیم را و طالقان شهید کردند عبدالحمید بن زید

لاه حسن را در شهر تهران شهید کردند عبدالله [illegible] را در [illegible] شهید کردند لا

سیاه [illegible] ابن ابراهیم [illegible] لاه حسن [illegible] ولایت و البرز [illegible]

[illegible] در شعب [illegible]

[illegible] کرده [illegible] رستاق [illegible] شدند و وطن [illegible]

[illegible]

ذریات ایشان بسیار شدند ما نان خلفای بنی عباس [illegible]

ملعون حکم کرده [illegible] سادات صحیح النسب را بسوزانند چون خلفای

عباس ملعون با ندران [illegible] موضع تورستاق رسیدند [illegible]

تورستاق [illegible] تورستاق [illegible]

[illegible] کردند [illegible] رستاق سید [illegible] چون [illegible]

شنیدند [illegible] از سیدان [illegible] شدند و از [illegible] القاب [illegible]

شدند و بسیار [illegible] ابن [illegible] لاه حسن [illegible] عبد [illegible]

[illegible] و [illegible] جون

شهر [illegible] سید [illegible] شهید کردند [illegible] المعالی

[illegible] عبد [illegible] عبد [illegible] وطن ساختند و ذریات

ایشان بسیار شدند القاب [illegible] عبدالطیف ابن [illegible] لاه حسن [illegible]

شهید کردند لا [illegible] حسن بن لاه حسن را در [illegible] طهران [illegible]

شهید کردند [illegible] ولایت طهران [illegible]

[illegible] رسیدند ایشان را شهید کردند [illegible] چون [illegible]

چون شهرت شجاعت حسن [illegible] رسید شهید کردند امامزاده [illegible] و امامزاده جمشید بن
حسن بن امام حسن را در توابع شمران در موضع [illegible] طالقان [illegible]
شهید کردند امامزاده فرزندان حسن بن امام حسن را در زمان هشام بن عبد الملک
مروان [illegible] ولایت [illegible] چون [illegible] امیر [illegible] و [illegible]
وزرا [illegible] مروان [illegible] رسیدند مروان [illegible] حسن را
و [illegible] لشکر [illegible] در عقب [illegible] فرستاد [illegible]
آخر الامر [illegible] امامزاده در [illegible] حسن [illegible] شهید کرد امامزاده فرزندان
ابن حسن در ولایت [illegible]
چون شهرت [illegible] رسید [illegible] شهید کردند امامزاده فرزندان [illegible] بن حسن
امام حسن را در ولایت [illegible] شهید کردند امامزاده [illegible] در جنگ [illegible]
خراسان [illegible] شهید شدند امامزاده ابو تراب بن حسن [illegible] فرزند بودند
سلیم و سالم و عابد و صالح و ادریس و محمد و [illegible] امامزاده [illegible] ولایت [illegible]
در موضع [illegible] شدند [illegible] ملقب [illegible] اخبار آورده اند
حضرت امام حسین علیه السلام [illegible] فرزند بودند [illegible] امام زین العابدین [illegible] علی اکبر و علی اصغر
وقتی در [illegible]

و محسن و زبیده خواتون و فاطمه امام حسین [illegible] عبد الله را در زمین کربلا شهید
کردند امام زین العابدین و محسن و فاطمه را در دمشق بردند [illegible] خواهران آن حضرت [illegible]
زینب و رقیه و ام کلثوم و محسن بن امام حسین [illegible]
باقی اسیران را در دمشق بردند امامزاده [illegible] سلمان بن عبد الله [illegible]
چون اسیران اهل بیت در دمشق رسیدند [illegible]
آخر الامر [illegible] امامزاده [illegible] در دمشق [illegible] عارف [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] امام حسین [illegible]
فرزندان حضرت امام حسین را [illegible] حضرت امام حسین را
و [illegible] بلند شد مانند [illegible]
اللهم [illegible] چون [illegible]
[illegible]

فاطمه [illegible] الحسین رسالت و حضرت [illegible] در آن عالم تحت [illegible] ثبت الله سبحانه مردم را

در خواب دیدم و می‌دیدم مردم را مردم الا چون من از آنکه کیان این سخن شنیدم فرمود

برادرم حسین به یزید علیه اللعنه از خواب بیدار شد و سر حضرت امام حسین علیه السلام را پیش یزید

پلید خواست که با من سخن گوید سر مبارک رو به یزید کرد گفت ای پسر معاویه چرا در حق ما

چه بد کردی [illegible] که تو با من چنین کردی [illegible] ما را در زمین کربلا [illegible] و سر مرا حضرت [illegible]

هزار [illegible] بوسه داد [illegible] آن ورد [illegible] کیان ما را اسیر کردی و [illegible] ما را غارت

کردی [illegible] این [illegible] یزید [illegible] در حق من [illegible] گفت [illegible]

[illegible] چون یزید این سخن شنید لرزه بر اندامش افتاد گفت [illegible]

[illegible] کیان بردند چون [illegible] را چشم [illegible] را [illegible] گریه [illegible]

دفعه [illegible] تا بملکوت اعلی رسید چون [illegible] چشم را [illegible] سر مبارک [illegible]

برداشت آن سر خون آلود را بر روی [illegible] بمالید تا آنکه [illegible] گرد چون

[illegible] دیدند [illegible] کردند و [illegible] بار [illegible] صحبت [illegible]

دور [illegible] آورده اند که در [illegible] حضرت [illegible] یزید

تمّ [illegible]

علیه اللعنه در کوفه [illegible] مسیب بن قعقاع خزاعی

خروج کرد و ما را [illegible] حضرت [illegible] چون خبر محمد بن [illegible]

حیان [illegible] لشکر جمع کرد و روی [illegible] چون خبر مسیب رسید با جمعی

باستقبال [illegible] رفتند چون مسیب [illegible] رسید [illegible] شدند و [illegible]

[illegible] مسیب [illegible] الزام [illegible]

دمار از روزگار [illegible] برآوردند بعد از آن [illegible] و در مدت [illegible]

[illegible] کردند و تمام [illegible] و تمام مال یزید را [illegible]

خالد بن [illegible] را [illegible] چند تن [illegible] از [illegible] مسیب [illegible]

رفتند خبر بآن [illegible] رسید [illegible] اخراج کرد [illegible]

[illegible] گفت [illegible] سوی مسیب [illegible]

[illegible] حضرت [illegible] زین العابدین را [illegible]

از [illegible] سلطنت و پادشاهی [illegible] مسیب [illegible]

[illegible] حضرت [illegible] زین العابدین را [illegible]

چون خبر به مسیب رسید که حضرت امام زین العابدین با جمیع اسیران می‌آیند

مسیب و محمد ابن زبیر با دیگر امیران و بزرگان و مخلصان به استقبال آن امام رفتند

کان بیرون آمدند چون نظر بر امام زین العابدین رسید در جمیع سپاه حالت شد [illegible]

حضرت ابوسعید و فضل که حسرت بسیار کشیدند و ماتم امام حسین بار دیگر تازه گردید [illegible]

و داد و بیداد آوردند چنانچه [illegible] تا آن فلک اثیر رسید بعد از آن مسیب [illegible]

حضرت [illegible] گفت [illegible] حضرت را [illegible]

[illegible] حضرت محمد ابن زید ابن حضرت

امام حسن [illegible] حضرت [illegible] فرزند

اسامی [illegible] و [illegible]

و طیب [illegible] امام زین العابدین [illegible]

[illegible] فرزند [illegible] امام زین العابدین [illegible] فرزند [illegible]

و [illegible]

اسامی [illegible] فرزند [illegible]

الحسن ابن امام زین العابدین [illegible] فرزند [illegible] و [illegible]

[illegible] امام زین العابدین [illegible]

اسامی [illegible]

زین العابدین [illegible] فرزند [illegible]

[illegible] امام زین العابدین [illegible] فرزند [illegible]

[illegible] امام زین العابدین [illegible] امام زین العابدین [illegible] فرزند [illegible]

[illegible] و یوسف و یونس و سعید [illegible] امام زین العابدین [illegible] فرزند [illegible]

[illegible] و قوام الدین و قطب الدین [illegible] ابن امام زین العابدین [illegible] فرزند [illegible]

سیف الله و [illegible] الله و [illegible] الله و نعمت الله [illegible]

ابن امام زین العابدین [illegible] فرزند [illegible] جمشید و [illegible]

[illegible] فرزند [illegible] نعمت الله و لطف الله و [illegible] الله و [illegible]

[illegible] فرزند [illegible] ابن امام زین العابدین [illegible] فرزند [illegible]

[illegible] فرزند [illegible]

دارون و مارون و زیتون و حمزه و امیره اولاد علی ابن حسن ابن امام زین العابدین را
شهید کردند بعد ... اولیا و ... و سالم و صالح و شرف و ...
عقیل ... ابن ... فرزندان ... ملک سلیمان و ذکریا و ... و نوح ...
هشام ابن عبد الملک ... حضرت ... قرار ... قصد اولاد و ... اولاد ...
رو باطراف ... حسن و حسین ... شهید ... مدینه ...
و هادی و مهدی و ابوتراب و جمعی اصحاب ... از شهر ... بولایت ... رفتند و ...
شهر ... و در ... آمدند ... شهید ... بولایت ...
... لشکر ... ابن ... جمعی ...
... اولاد ... فرزندان ... امام ... را در ...
... شهید کردند در موضع ... فرزندان ... امام ...
... موضع ... رسیدند ... شهید کردند ... حیدر ... بولایت ...
... شهر ساوه ... شهید ... در موضع ... شهید کردند ...
... امام ... بولایت ... رسیدند ...
... ولد

شهید کردند و ... شرف ... در سمنان و ... افغان ...
وطن ساختند ... شد بالقاب حسینی ... فرزندان حسن ...
زین العابدین ... و ... بولایت ... چون شهر ...
... شهید کرد ... ابن امام ... ابن ... و اسحق و ایوب و ... در ولایت
... ایوب و ... شهید کردند ... ابن ...
زین العابدین را در ولایت ... شهید کردند ... فرزندان ... ابن ...
... و ... و بیان ... شهید ...
... و عباس ... بولایت ... چون بموضع ...
... شهید کردند ... بمقام ...
... را در موضع ... شهید کردند ... ابن امام ...
و ... و نوح و ... در ولایت ... رفته ...
در موضع ... شهید شهید کردند ... در موضع ... شهید کردند
... موضع ... فرزندان ... امام ... در ولایت ...
... را در موضع ... شهید ...

در موضع کونک شبلی [illegible] بارش شهید گشته مولانا فرزندان امیرزاده کوچک و محمود را

در هوارک شهید گشته مولانا فرزندان [illegible] بن حسن ابن امام زین العابدین [illegible]

و قصبه داروی در ولایت قندهار وطن ساخته ذریات ایشان بسیار شد

مولانا فرزندان علی بن حسن ابن امام زین العابدین در ولایت ساوه جمله در

موضع اشتهارد [illegible] شهید گشته مولانا فرزندان عثمان [illegible] امام زین العابدین قطب الدین در [illegible]

[illegible] ذریات ایشان بسیار شد مولانا فرزندان امام زین العابدین سیف الدین و [illegible] و حبیب الدین و [illegible]

و [illegible] الدین و نعمت الدین را در موضع [illegible] ساکن شده ذریات ایشان بسیار شد القاب حسینی

مولانا [illegible] ابن زید را در موضع [illegible] شهید گشته مولانا فرزندان حیدر ابن امام زین العابدین در ولایت [illegible]

شهید شده مولانا حیدر ابن امام زین العابدین در [illegible] شهید شد مولانا فرزندان [illegible]

زین العابدین [illegible] در ولایت قزوین وطن ساختند ذریات ایشان بسیار شد مولانا فرزندان

مالک ابن امام زین العابدین [illegible] موضع [illegible] رسیدند [illegible] شهید گشته [illegible]

امین الدین مولانا فرزندان طیب ابن امام زین العابدین [illegible]

[illegible]

کوهستان وطن ساختند و ذریات ایشان بسیار شد القاب حسینی

مولانا طیب ابن امام زین العابدین در ولایت [illegible] شهید گشته مولانا فرزندان [illegible]

ابن امام زین العابدین محمد و جعفر را در ولایت [illegible] شهید گشته سلیمان را در

موضع [illegible] و یحیی را در موضع [illegible] شهید گشته مولانا فرزندان رضا ابن جعفر ابن امام

زین العابدین [illegible] در ولایت [illegible] در موضع [illegible] شهید

شهید گشته مولانا سالم و صالح و اشرف [illegible] در ولایت [illegible]

چون [illegible] موضع [illegible] رسیدند [illegible] در ولایت [illegible] شهید گشته مولانا [illegible] ابن

ابن امام زین العابدین را در موضع [illegible] شهید گشته مولانا فرزندان [illegible] ابن

هادی ابن امام زین العابدین مالک و سلیمان و زکریا و [illegible] و نوح در ولایت

در موضع [illegible] شهید گشته [illegible] در موضع [illegible] رسیدند [illegible]

[illegible] شهید گشته [illegible]

مولانا نوح ابن هادی ابن امام زین العابدین در ولایت [illegible]

[illegible] یعقوب [illegible]

و ابراهیم و موسی و یونس و زید و جعفر و مالک امام مهدی ابن حضرت امام زین العابدین را
چهار فرزند بود پسر ابی طاهر و مطهر و عبدالله و موسی ابن جعفر ابن امام زین العابدین را
شش فرزند بود پسر ابی ابوطالب و حسین و رحیم و ثابت و ابراهیم و صالح امام
جعفر ابن محمد ابن مجتبی ابن امام زین العابدین را دو فرزند بود عباس و رزاق و ثابت و
و عطاالله و لقمان و نعمان و عبدالله و عمادالدین و عمادالدین و دختر زبیده
امام عمادالدین را هشت فرزند بود قاسم و اسمعیل و حمزه و کنعان و یوسف و
شعیب و حافظ و کامل امام [illegible] علاءالدین ابن جعفر ابن نوح ابن [illegible] امام زین
العابدین را هشت فرزند بود روح الله و نورالله و عطاالله امام روح الله ابن عبدالله
ابن عبدالرافع ابن قاسم ابن علاءالدین ابن جعفر ابن نوح ابن عقیل ابن امام زین
العابدین را دو فرزند بود قوام الدین و رکن الدین امام رکن الدین را سه فرزند بود
و [illegible] سیف [illegible] که [illegible] الله و الغراب حضرت امام [illegible] را
شهید کرد قصد اولاد ائمه کرد لشکر را امر از جمع کرده و روی به اطراف [illegible]
و همه کامل کرد [illegible] که [illegible] او [illegible]

اولاد ائمه را [illegible] ذکور را شهید کرد اما یعقوب و موسی و یونس
و جعفر و مالک از ولایت ری نهار شدند چون به ری رسیدند الملوک [illegible]
یافت شدند و امامزادگان نهار شدند [illegible] آخرالامر المقتول [illegible]
ایشان [illegible] در موضع قلعه [illegible] ابن عقیل ابن [illegible] ابن امام
در موضع [illegible] و برادران شهید کرد امامزادگان [illegible]
زین العابدین [illegible] و به ولایت ری نهار شدند چون [illegible] رسیدند
[illegible] شهید کرد امامزادگان شیث ابن
ابن امام زین العابدین ابوطالب و حسین و رحیم و ثابت و صالح از بغداد
به ولایت ری نهار شدند چون به موضع [illegible] رسیدند المقتول [illegible] خبر یافته
کان [illegible] آخرالامر امامزاده ابوطالب و حسن و رحیم را [illegible] شهید کرد
و سالم را و به ولایت [illegible] نهار شدند چون به موضع [illegible] رسیدند [illegible]
ایشان را شهید کرد امامزادگان جعفر ابن امام زین العابدین عباس و رزاق
به ولایت ری نهار شدند چون [illegible] رسیدند [illegible] خبر یافته
امامزاده [illegible] آخرالامر [illegible] در موضع [illegible] شهید

لا عبد الله بابک از کشمیر و ز سید و خواتون ها از بعد او ر و بولایت ری رفته بود جو

بوضع کوه مهران رسید میر لا عماد الدین و علاء الدین را بکشتند شهید شد میر لا در آن

عماد الدین جعفر ابن نوح ابن لا زین العابدین قاسم و اومان و حمزه و عمران و کنعان و لد

و دو ده و محافظ و کامی از سادات مرو بولایت ری رفتند و نسل از عقب

و حمایل ایشان رکفه اخو الامر قاسم و حمزه را در ولایت سبهار شهید لا محمد ان و

کنعان ر و بولایت خراسان رفتند چون رسیدند آنرا شهید کردند و اولاد عقب در

توابع سرلهان قرار دادند و اولاد رشته کبن شهید کردند عقب از رسوع

در شهید کردند لا محافظ و کامی در ولایت و جمیع و طن شدند و

ایشان بسیار شد لا فرزندان جعفر بن نوح ابن عقیل ابن ادریس لا ارزن

العابدین محمد و حسن در زمان شوکت سلطان ر و بولایت کشمیر رفتند حول شهر

کشمیر رسیدند در آنجا بسیار بود سالخورده زاهد و عابد آن ال پیر البار شد

ال میر ا… زاهد مرید بود و اسیع الدین ابن عطاء الله ابن … الله ابن سلطان …

… الدین …

خادم حضرت مصطفی بود محسن و در کشمیر بجوار رحمت حق پیوست و جعفر

نوح ابن عقیل ابن لا زین العابدین و سادات شیخ … مرید وی شد

تا مدت سی سال خدمت کشیده و مدت شصت سال که رسیدن از رسم ابن داود

علی ابن محمود … دختری بود … بنام العقد محمد … و محمد …

الدین … و محمد مشهد … مشغول … سید … شد

… از جانب آسمان با نام سید المرسلین محمد نوربخش … سید

نوربخش … این نسبت صحیح از بحر … سید … فرزندان سید …

نوح ابن سید عقیل ابن سید … ابن لا زین العابدین محمد و حسن در ولایت

… عبدالله و عبدالحمید و عبدالواسع و عبد الکریم

از سادات … بولایت تبریز رفتند چون … رسیدند … شهید

ابن جعفر ابن نوح ابن … لا زین العابدین روح الله و عماد الله …

حول شهر … رسیدند … روح الله ابن عبد الواسع ابن قاسم ابن

عماد الدین بن تاج الدین ابن امام زین العابدین رکن الدین و قوام الدین از عمر رد تولد ... خوارزم
نهاده اند چون بولایت خوارزم رسیدند ایشان را شهید کردند فرزندان رکن الدین
لوسی قاسم عماد الدین جعفر ابن حنفی ابن ... ابن امام زین العابدین قصی و حجة الله ... سیف
الدین ... و بولایت ری نهاده اند چون بشهر ری رسیدند و ... بعد از ...
رو بولایت شوشتر نهادند چون بموضع ... رسیدند و وطن ساختند و ... ایشان
بسیار شد بالقاب ... و ایشان از دست ... کشی ... باقیه القاب ایشان ... اند
ختم شد اخبار اولاد امام زین العابدین

او نقل کرده که بعد از وفات حضرت امام زین العابدین حجاج ابن یوسف علیه اللعنه خروج کرد
در ... لعنت خدا ... [illegible]
شیعه ... [illegible] ... حضرت امام ... [illegible]
امر و موسی ... نام داشت شاه ... را کاشانه خویش ... دست ... شاه ... را
بوسید و ... [illegible] ... رسید ... آمد و گفت ...

و فرزندان او در ... روزی ... مصطفی ... [illegible]
و یادگار امام زین العابدین در خانه ما غریب ... اهل بیت ... [illegible]
... [illegible] ... چون ... [illegible]
السلام علیک یا بن رسول الله این حبیب است که ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible] ... حبیب ... [illegible]
... [illegible] ... حبیب ... [illegible]
از جان ... [illegible] ... حجاج ... [illegible]
... حجاج ... حبیب ... [illegible]
... روزی ... حبیب ... حبیب ... [illegible]
... [illegible]
... حبیب ... [illegible]
... [illegible] ... حبیب ... [illegible]

دیگر آنکه اولاد [illegible] در خانه [illegible] است ای حسین [illegible] از [illegible] بسیار [illegible] اولاد

[illegible] در خانه [illegible] این [illegible] اگر این [illegible] و من [illegible]

[illegible] از [illegible] و از [illegible] و [illegible]

[illegible] مختار [illegible] سلام [illegible] نشست [illegible]

و [illegible] حسین [illegible] بشنید [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible] گفت ای حسین [illegible] از صحبت [illegible] امروز [illegible] است

[illegible] در خانه [illegible] و [illegible]

[illegible] است [illegible] و [illegible]

[illegible] است [illegible] اگر [illegible] در دنیا [illegible]

[illegible] حضرت [illegible] است [illegible]

[illegible] است [illegible] قیامت [illegible]

[illegible] مختار بشنید گفت ای حسین [illegible] صحبت [illegible] گفت

[illegible] مختار گفت

[illegible]

[illegible] مختار [illegible]

از آنکه [illegible]

از آنکه خبر دارد که مختار بسوی حبس آمد چون چشم حسین بر مختار افتاد

برخواست و سلام کرد دست و قدم مختار را بوسید [illegible] آغاز [illegible]

مختار [illegible] مصحف بیاورید [illegible] حسین [illegible] قسم [illegible] سر [illegible]

بعد از آن مختار حسین را [illegible] امام [illegible] ملعون [illegible] حضرت امیر

[illegible] و [illegible] چندان [illegible] که [illegible]

خود دیدم چون [illegible] این سخن بشنید [illegible] حجاج [illegible] عرض کرد ایها الملک

[illegible] گفت [illegible]

[illegible] از [illegible] و [illegible]

[illegible] این [illegible] عرض کرد [illegible] ملعون [illegible]

[illegible] و [illegible] از [illegible]

[illegible] آن [illegible] عرض [illegible]

[illegible] حضرت [illegible] در خانه [illegible]

[illegible] حضرت [illegible] سال است در خانه [illegible]

[illegible] حجاج ملعون [illegible] مختار [illegible]

گفت ای بت من آواز در خانه برآمد چون خولی این سخن شنید در را [illegible]

و گفت ای زن چه [illegible] و در حق من چه [illegible] ای زن اثبات

مخالفان [illegible] از [illegible] بیا و [illegible] سر [illegible]

[illegible] از خوان [illegible] بیا و بر این [illegible] و [illegible] اگر

شاهزاده [illegible] حجاج ملعون [illegible] کمینه [illegible]

منقطع کرد وای بر من [illegible] و [illegible] هست [illegible] جگر گوشه [illegible]

عذاب [illegible] در دنیا چه عقوبات گرفتار [illegible] خولی

[illegible] و گفت ای [illegible] سخن [illegible] تو را عوض [illegible]

بحجاج [illegible] عرض کرد [illegible] هست [illegible]

در [illegible] خولی [illegible] سخن

شنید [illegible] دست [illegible] حجاج ملعون [illegible]

گفت ای [illegible] از زمین [illegible] ملعون [illegible] این سخن شنید

شاد [illegible] سر [illegible] برد [illegible]

[illegible]

بر سر وی نهاد بعد از آن خولی [illegible] خانه [illegible]

و عرض کرد اللهم [illegible] بر [illegible] من

[illegible] این گفت [illegible] ای [illegible]

[illegible] الطاف [illegible] و الله [illegible] شد و گفت [illegible]

عوض شاهزاده [illegible] و [illegible] شد [illegible] دیوار [illegible]

آن [illegible] این سخن [illegible] گفت ای [illegible] شاهزاده [illegible]

آن [illegible] زن [illegible] عرض کرد [illegible] حبیب

مصطفی [illegible] بعد از آن عرض کرد [illegible] شاهزاده [illegible]

[illegible] و این [illegible] زار زار گریست [illegible] از آن [illegible]

[illegible] طعام آراسته کرد [illegible] شاهزاده [illegible] طعام [illegible]

شاهزاده [illegible] خولی [illegible]

آن [illegible] زن خولی عرض [illegible]

نوش [illegible] شاهزاده [illegible]

[illegible] عرض [illegible] و عرض کرد [illegible] فرزندان [illegible] تصدق [illegible]

سال ... بعثت نبوت ... که حضرت امام ... دیده و گریان سر سوی آسمان

... و عرض کرد الهی تا کی این ظالم ... در حق ما و دوستان ما از ظلم ... سید

بن جعفر و زوار اهل البیت ما ... تا کی ... موقوف چون ...

سید در ... گفت ... [illegible] ... عرض کرد ...

العالمین ... از ... احوال خود ... ظالم ... [illegible]

دست ... ابراهیم ... در زمان ... سلطان مراد ...

ناگاه ... بر آمد ... مانند ... [illegible]

بر سر ... در ... [illegible]

ان آن شیر ... کفار ... [illegible]

بیرون ... الف ... [illegible]

ولی که ... صد هزار رحمت ... [illegible]

صد ... قیامت ... [illegible]

... فرزندان ... [illegible]

[illegible]

تو بسیار شده چون در باب ... خوشنود ... [illegible]

شاه ... ابن فرزند القاب ... [illegible]

لقب ... چندان حسنه ... حضرت ... والد ... [illegible]

شفا ... چون مخلب بن سخن بشنید ارشاد ... جان ... [illegible]

رحمت الله علیه

... [illegible]

بود ... حضرت امام محمد باقر ... [illegible]

... امام جعفر صادق و عبدالله و حسن و ابوتراب و ابراهیم ...

و ... عبدالله بن امام محمد باقر ... [illegible]

و محمود و ابراهیم ... ابن امام محمد ... فرزند ... حسن و ... [illegible]

عبدالله ابن امام محمد ... فرزند ... [illegible]

و هارون و خالد و یونس ... بن امام محمد ... ابوطالب ...

ابوالفضل و عبدالحمید و عبدالکریم و ابوطالب ... ابوالمعالی ... ابوجعفر و حسن ...

امام عبدالمعالی ... فرزند ... محمد ... عبدالوهاب ... [illegible]

الدین و ... الدین و نظام الدین و ... الدین ... ابوتراب بن امام محمد باقر ...

یوسف و ... و یونس و اسکندر و مظفر و صالح و حیدر و ... ابوذر ...

در الفی علیه اللعنه والعذاب قصد اولاد رسول کرد جمعی از امامزادگان رو به اطراف و
جوانب نهاده بودند از ایشان ابراهیم و ثابت در ساوه شهید گشتند از اولاد ابوطالب و محمد
رو به ولایت قزوین نهادند چون به قزوین رسیدند ایشان را شهید کردند از آن جمله عبد الحمید و
عبد المجید از بغداد رو به نخجوان نهادند چون به شهر نخجوان رسیدند در وطن [illegible]
[illegible] شد القاب حسن و مالک و محمد و [illegible] از [illegible] رو به ولایت [illegible]
نهادند چون به شهر [illegible] رسیدند آن جماعت خبر فرستادند با امامزادگان [illegible]
آخر الامر ایشان را شهید کردند از فرزندان ابوطالب ابن امام محمد باقر یوسف و حسن و
و مظفر و صالح و حمید [illegible] از بغداد رو به ولایت [illegible] ملاذگرد نهادند چون به شهر
ملاذگرد رسیدند ایشان را شهید کردند از فرزندان حسن ابن امام محمد باقر [illegible] و سید [illegible]
و محمد و قاسم و شعیب از شهر بغداد رو به ولایت [illegible] نهادند چون به شهر [illegible] رسیدند
قاسم را در شهر [illegible] شهید کردند [illegible] ابن حسن ابن امام محمد باقر [illegible]
[illegible] از [illegible] رو به [illegible] شهید کردند [illegible]
شهید کردند [illegible] ابن امام محمد باقر [illegible] نهادند چون
به شهر [illegible]

[illegible] رسیده ایشان را شهید کردند از اولاد امام [illegible]
ملعون رو به [illegible] نهادند [illegible] رسیدند [illegible] شهید کردند [illegible]
در چین [illegible] چون به شهری رسیدند [illegible] تمام [illegible]
[illegible] ابن جعفر در میان فرزندان حضرت [illegible]
امام حسن [illegible] فرزندان [illegible] و ذکور [illegible] فاطمه و زینب [illegible]
[illegible] در مدینه [illegible] حضرت فاطمه [illegible]
[illegible] حضرت موسی [illegible]
[illegible] فاطمه [illegible] حضرت [illegible]
[illegible] القصه [illegible]
در میان فرزندان [illegible] فاطمه [illegible]
[illegible] ابن ابوطالب [illegible] فرزندان و ذکور و اولاد [illegible] حضرت [illegible]
و محمد حنفیه و عباس و عون و محمد و ابوبکر و عثمان و عمر [illegible] ابراهیم و جعفر
و دختران [illegible] زینب [illegible]
[illegible] ابن امام [illegible]
[illegible] امام حسن [illegible]

که حصار پاره جگر از صندوق [illegible] بیرون آمد و شهید شد [illegible]
نقل است که حضرت امام حسین را ابوبکر و عمر و عثمان و عبد الله و عباس در کربلا شهید شدند [illegible]
بچه غصه پر غصه در جمیع کتب مذکور است امام محمد ماه و عون بن جعفر در ولایت
خراسان در شهر طوس مدفونند که شهید شدند از دست عباس بن [illegible] علیه اللعنه
امام حضرت محمد حنفیه [illegible] در کوه عقیق غایب است و بعضی گفته اند که بعد از
خروج [illegible] چند هزار [illegible] را [illegible] و [illegible] در ولایت طارم شهید شد
و [illegible] او را [illegible] شتر [illegible] خراسان [illegible]
شتر در روی [illegible] قیامت [illegible] و بعضی گفته اند [illegible]
در ناحیت [illegible] امام عقیل و ابراهیم در ولایت [illegible] در آن جایگاه [illegible]
آن [illegible] شهید شد [illegible] علیه اللعنه [illegible]
و عبد المؤمن [illegible] موضع [illegible] شهید [illegible]
بین موضع [illegible] شهید که [illegible] ابو الفضل [illegible]
در ولایت [illegible] شهید [illegible] محمد [illegible] علیه اللعنه [illegible]
در نواحی قم [illegible] رسید [illegible]
[illegible]

[illegible] و میان [illegible] داده به آنکه حضرت امام زین العابدین را
ده فرزند بوده مثل امام محمد باقر و [illegible] و عبد الله و حمزه و سلیمان و ابراهیم و محمد و [illegible]
و یوسف چون امام محمد باقر را هشام بن عبد الملک [illegible] شهید کرد [illegible]
[illegible] عبد الله و حمزه را در نواحی بغداد به موضع [illegible] شهید کردند سلیمان و ابراهیم
[illegible] نهاوند [illegible] شهید شدند [illegible]
و [illegible] فرزند بوده مثل [illegible] طاهر و [illegible] و هارون و [illegible] و خالد و [illegible]
و سالم [illegible] و حاتم امام [illegible] ده فرزند بوده [illegible] حسام الدین
الدین و شرف الدین و غیاث الدین و ابو تراب و عباس و جعفر امام [illegible] در [illegible]
اصفهان نهاده اند [illegible] بن محمد [illegible] امام حسن [illegible]
دختری بوده سکینه نام [illegible] فرزند [illegible]
و [illegible] یوسف [illegible]
[illegible]
و اسحق و [illegible] و یوسف و اسحق امام ابو [illegible]
[illegible]
[illegible] امام زین العابدین را در [illegible] هشام بن عبد الملک [illegible] علیه اللعنه

و بزرگ نهادند و برادر زاده فرزند بود [illegible] بالک و محسن و ناصر و [illegible] و صالح او
و حافظ و خالق و فاخر و ادریس الله در زمانیکه حضرت [illegible] علیه اللعنه و
العذاب [illegible] شهید کرد و منصور دوانقی علیه اللعنه و العذاب خروج کرد نامه باطراف و
جوانب فرستاد بدین عبارت که ای [illegible] ابو سفیان چون نامه به [illegible]
باید که مار از ابو ترابیان [illegible] چون نامه باطراف رسید [illegible] ظالمان خروج کرده و
اولاد ائمه کردند سلیمان ابن حسان ابن امام زین العابدین [illegible] شهید کردند و باقی فرزندان
[illegible] نهادند [illegible] و کمانه در توابع طهران در ده [illegible] شهید کردند
و مطهر و منصور در [illegible] و جلاجع شهید کردند خالد و [illegible]
سالم و [illegible] را در شهر قم شهید کردند حاتم را در [illegible] شهید کردند [illegible]
ابن حسین ابن امام زین العابدین [illegible] و حسام الدین و نظام الدین در ان [illegible]
نهادند چون به [illegible] رسیدند [illegible] را شهید کردند باقی فرزندان متفرق شدند [illegible]
الدین و [illegible] الدین [illegible] الطالقان [illegible] در [illegible]
حسنی جلال الدین و غیاث الدین [illegible] و جلاجع و [illegible]
[illegible] ابو تراب [illegible] کردند [illegible]

[illegible]

بالقاب [illegible] حضرت [illegible] و شهید کردند محمد ابن حسین و [illegible]
روی به همدان نهادند چون به شهر رسیدند او را شهید کردند [illegible] ابن محمد [illegible]
شهید کردند [illegible] و قم [illegible] در همدان [illegible] بعد از ان [illegible]
[illegible] ده [illegible] لعنه [illegible]
اول رشد بالقاب [illegible] ابن محمد [illegible] ابن امام زین العابدین [illegible]
[illegible] مدت [illegible] بعد از ان [illegible]
طالبان و [illegible] شهر [illegible] مردم [illegible] شیعه و [illegible]
[illegible] کردند و [illegible] ولد [illegible] فرزند بود [illegible]
ابو الحسن و قاسم و [illegible] ابو الحسن و [illegible] و ناصر [illegible]
[illegible] ایران و [illegible] رحمت حق [illegible]
[illegible] شهید کردند قصد اولاد ائمه کردند [illegible] سپاه [illegible]
جمع کرده و رو باطراف و جوانب نهادند هر جا که [illegible] اولاد ائمه [illegible]
[illegible] رسیدند [illegible] سلام [illegible]
[illegible] رسیدند [illegible] او [illegible]

بود در ده الیسان که جوار [illegible] طوس است چه بعد از [illegible] السلام [illegible] رسید [illegible]
رفت و کشته در اینجا فرزندان ابوتراب بسیار اند الکه علی بن عباس [illegible] فرزندان
[illegible] برادر جد [illegible] کشته فرزندان [illegible] ابن محمد حسین ابن الامام [illegible]
در قزوین [illegible] که [illegible] شهید گویند در انجا [illegible] شیرازی و بالدار
و از فرزندان [illegible] سعد [illegible] فرزندان محمد بن [illegible]
عم [illegible] شهید شد [illegible] امیرالمومنین و فرزندان دیگر [illegible] شیعه [illegible] شد
[illegible] علی [illegible] عباس علیه الرحمه [illegible] بسیار [illegible] در [illegible]
[illegible] نصر [illegible] کرده [illegible] ابوالحسن [illegible]
[illegible] شهید کردند [illegible] ابوالحسن ابن [illegible] ابن الامام
ابن الامام زین العابدین را در ولایت [illegible] شهید کردند [illegible] در ولایت [illegible]
اقامت وطن ساخته ذریات ایشان [illegible] شدند ملقب [illegible] حمید [illegible]
در ولایت [illegible] ابن [illegible] وطن ساخته ذریات ایشان [illegible] شدند بالقاب [illegible]
و [illegible] در ولایت [illegible] سید [illegible] را شهید کردند

لاشریک و [illegible] در ولایت [illegible] چون [illegible] رسید [illegible] وطن ساخته
ذریات ایشان [illegible] شدند بالقاب [illegible] ابن محمد [illegible] ابن الامام [illegible]
[illegible] فرزندان [illegible] و [illegible] و محمد و حمید و محمد [illegible]
فرزندان [illegible] عباس علیه الرحمة و الغفران [illegible]
[illegible] المرقد [illegible] فرزندان [illegible]
[illegible] را در ولایت [illegible] شهید کردند [illegible]
[illegible] شیراز [illegible] رسیدند [illegible] را شهید [illegible]
ابن [illegible] ابن محمد [illegible] زین العابدین [illegible] را در [illegible]
[illegible] المرقد [illegible] رسیدند [illegible]
[illegible] وطن ساخته [illegible] فرزندان [illegible]
[illegible] رسیدند [illegible]
[illegible] المرقد [illegible]

از آن جا حسینکه در شب سه شنبه بعد از چند روز از آن [illegible] معلوم از روست [illegible]
گرفتند او را [illegible] بالای سر [illegible] بعد از آن جا [illegible] ایشان و طن [illegible] چند روی
گوسفند روی این موضع که [illegible] بیا او را [illegible] حق [illegible]
صدا و گوسفند و [illegible] گوسفند می گفت [illegible] موضع گوسفند [illegible] گفت سبحان الله
هر سال گوسفند [illegible] کم می شد [illegible] قصد کرد [illegible] کند
و بیش [illegible] شد سر را بالا کرد باد از چوبین گفت [illegible] کرد [illegible]
در خانه [illegible] گوسفند را بر [illegible] خود [illegible] این گوسفند [illegible]
و صاحب [illegible] این قسم عجایب [illegible] ملک [illegible] کرد
چند بار [illegible] وقف کرد و اول [illegible] گوسفند [illegible]
باغ [illegible] گوسفند از این وقف کرد و این [illegible] ملک
لعنت خدا بر این و اولاد [illegible] بر [illegible] سید [illegible] بن
ابن [illegible] زین العابدین [illegible] شهید کرد [illegible] المرشد [illegible] و [illegible]
ابن [illegible] ابن [illegible] بعد [illegible] جمشید ابن محمد ابن [illegible]
سلمان ابن ابراهیم ابن محمد ابن [illegible] در ولایت [illegible] در زمان [illegible]

[illegible]

سید [illegible] ابن برهان ابن محمد حسین ابن امام زین العابدین در کوه پایه الموت
بموضع [illegible] وطن [illegible] شهید با فرزندان [illegible]
بسیار [illegible] شاه [illegible] مدت [illegible] ماه و [illegible]
و [illegible] فاطمه [illegible] آورد و بعد از چند روز [illegible] سید [illegible]
چون [illegible] سید چند روز [illegible] ملک [illegible] شهید گفت از طرف [illegible]
خبر دار [illegible] شهید [illegible] این [illegible] ابن [illegible]
[illegible] در کوه پایه الموت بموضع [illegible] وطن [illegible] ملک [illegible]
شد [illegible] بسیار [illegible] موضع [illegible] و [illegible]
[illegible] سید [illegible]
بجای [illegible] ملک [illegible] الموت [illegible]
[illegible] زیارت [illegible]
[illegible] فقیر [illegible] در گاه [illegible]
[illegible] موضع [illegible] سید [illegible]

دار و گیر دید چون لشکر آمدن قاصد شاهزاده را خبر دار نمود بیرون آمد فرصت را چون چشم
برخ ... [illegible] اقبال اسلام که دست ... پیش شاهزاده ... ابوسعید الکه [illegible]
روبو لدت ... چون بموضع ... رسیدند ... شاهزاده [illegible]
خبردار کرد چون خبر بملک ... سوار شد با تمامی ترکمان و ... [illegible]
لامیر ... بیرون آمد چون ... شاهزاده را رسید ... تا ... سپاه ... شدند
لامیر ... رسید ... بملک ... [illegible] ... بخوارزم و ... [illegible]
و زن ... [illegible] ... لامیر ... لاملک ... لامیر [illegible]
و ... [illegible] ... مردم ترکمان و ... [illegible]
ملک ... [illegible] ... ابن ... رسید ... [illegible]
... لامیر ... و ثواب ... [illegible]
... لامیر ... ملک ... [illegible]
... [illegible] ... ابن ... [illegible]
آن ... ترکمان ... [illegible]

گرد روی البوت ... [illegible] ... کان ... رسیدند
دست ... ابوسعید و داع کرد ملک ... [illegible]
... [illegible] ... شمس ... [illegible]
شمس الدین و یوسف و صدر الدین و ... الدین و نظام الدین و حسام الدین و سیف الدین
و ... [illegible]
... [illegible] ... شدند
... [illegible]
چون ... [illegible]
عباس بن ... ابن رشید ابن ... [illegible]
... [illegible]
ابن ... [illegible]
این سخن ... [illegible]
... [illegible]
ابن ... [illegible]

ازآن بعد مخالفان خبر کشته شدن امامزادگان شنیدند پریشان شدند و همان شب

شب نامه نوشته سادات خبر شهر چون شب شد با قاتلان در رسیدند

امامزادگان بسیار بودند که خبر ... زادگان و ... سپاهیان ... و محمد

بابه ... قاسم ... در ... صحیح ... الله ... از ... نسب

سادات در ... نسب ... سید ... که ... علما

فضلا ... از ... صحیح ... از ... جناب ...

در ... که چون ... علیه اللعنه باطراف ... و ... ولد

دیگر بار ... خروج کردند امامزاده ابراهیم حسن بن ... بن ... زین العابدین ... شهید کردند

فرزندان ... ابراهیم ابن حسن بن ... زین العابدین ... عبدالله

سید ... امامزاده ... که ... شهید

بر ... مبارک ... شهید ... علیهم التحیات

از تهران ... قزوین ... و ... از تهران ... رو بولایت ...

قزوین رسیدند ... شهید کردند امامزاده ... چون ...

... شهید کردند امامزاده ... بن ابراهیم بن ... زین العابدین ... و ...

رسیدند ... شهید کردند امامزاده ... بن ابراهیم ابن حضرت امام زین العابدین ... در ولایت شیراز ...

... ۱۵ ...

... چون ... شهید ... عبدالله ... گویند

جعفر ابن امام موسی را در نواحی ... موضع ... شهید کردند عبدالله ...

از آنجا ... رسیدند ... و ...

... خبر شده ... امامزاده ... امامزاده عبدالله

در موضع ... شهید کردند ... ابن حضرت امام موسی را ... بزرگان ...

شهید کردند ... امامزاده ... فرزندان ... امام موسی ...

سادات ... شهید کردند موسی ابن ... امام موسی ... از ... رو بولایت

... چون ... سپاهیان ... خبر شدند ... امامزاده

... امامزاده احمد و موسی ... حضرت امام موسی

... حضرت ... شهید ... امام

... فرزندان و برادران ... موضع ... شهید

... ابن ... و محمد ... بولایت ...

دار المرز شمرده از نهواند چون بر قصبه رغلیا رسیده حسن رئیس و جمیع رئیس
و فرزندان آنجا امامزاده را بر سر راه امامزاده ها آمدند و رحمی که کردند اخوان در
محمد ابن الامام موسی کاظم ع موضع در میان لشکر جهت تن مبارک رسیده چون که خلیفه
خطب رسید زن عبدالله جراحت را بست و او را در خانه خود زیر خاک
پنهان کرد و لشکر رئیس از شغب مرتبه بعد احوال محمد ابن الامام موسی را رسید
چون بخانه عبدالله رسید بر سیده آن نور و دید آن زن بکتف خبر امام
جراحت تن مبارک امامزاده رسیده و بعد تا چهارده روز بدان جراحت در رحمت حق
پیوست ع و الدم و محمد با یک همشیره روز بعد نام زینب را در رفیع در موضع مرج
کردند بعد ابن الامام موسی کاظم را در دو بار رغلیا در موضع و زیندک بر جراحت رسیده
بران جراحت لیکن رسیده ولایت را در المرز رستمدار موضع خنده
بخانه حسن رحمه الله حسن فرزندان را حکم کرد که ایشان را پنهان کنند که میوه
باغ ارم و بدر دیده امام موسی بخانه حاجب امامزاده ست حسن روز
در خانه حسن بهار رفعه بدان جراحت بجوار رحمت حق پیوست امامزاده کریا
ابن الامام موسی

ابن الامام موسی کاظم را در موضع شورت شهید کردند مرقد ابن الامام موسی را در دو بار
رغلیا در موضع و زیندک و در موضع سبزه وار طایفه سرنیان خبر شده امامزاده را در میان
گرفته حمله بسیار با امامزاده محمد جواد جنگ بسیار کردند امامزاده رسیده چون
ملک رسید لشکر را غلبه کرده بعد جوان امامزاده را سر راه در اکرفته بود خصمان
چون امامزاده را بران حال دید جامه خود را پر آب کرده پنهان امامزاده را
آب داد و دعا فرمود اللهم بعد لشکر بسیار رسید و مال شد کران او و در موضع
در جای کل کوهی امامزاده را شهید کردند امامزاده سهراب و عقب و فرزند
خبر یافته گریان و نالان بر سر راه امامزاده در آمدند و بسیار گریستند شاهزاده
گفت این عمه را بااین جامه خون آلوده در قبر بگذارید تا فردای قیامت شاهد
حال من باشد روی مرا ای زینب بعد از کشیده من از این قوم بر اعتبار
دران موضع که حضرت را دفن کردند خود ش حال بعد در دو جا بر سر
می آید مرتبه کردان دفن اکنون امامزاده کشته بود قرار ایشان کردند امامزاده از
گرد بدر دو خود را ای زینب نعره و گفت ابن الامام رضا از کرج روی
ری نهاد چون بموضع خورک رسیده و را شهید کردند صالح ابن الامام موسی از کرج

روز شنبه ... بود چون باموضع ... رسید طرف شرق همدان ...

شهید کردند ... ابن ... ابن الامام موسی را در راه مجروح ...

... رسید بطرف شرق بیابان ... چهار روز ... شهید ...

چون مأمون الرشید علیه اللعنه حضرت را زهر داد و شهید کرد قصد اولاد ... نمود

باطراف و جوانب ... بار دیگر ... خروج کردند و قصد اولاد ...

حمزه و یعقوب ... از بغداد ... بولایت طبرستان ... چون بموضع ... رسیدند

ایشان را شهید کردند شعیب ... را در شهر ... شهید کردند ... عماد الدین و علی ...

و فخر الدین و صدر الدین را در شهر ... شهید کردند و دختران امام موسی کاظم ...

و زبیده خاتون و ... خاتون و ... و رحیمه و آمنه از بغداد ... بشهر قزوین ...

چون بشهر قزوین ... از عقب ایشان ... رسیدند

و ... مردان موضع را خواتون ... خواتون ... امام ...

و ... ابن امام موسی و ... و ... و ... و صادق و ...

و قاسم و زید و ... و ... و ...

جمله امامزادگان ... از بغداد ... قم ...

چون ...

... [illegible]

چون ... رسیدند ... و ... شهید کرد ... ابن ...

... از بغداد ... بولایت ... چون بموضع ... رسیدند ... شهید ...

دختران ... ابن امام موسی ... و رقیه ... و ... از بغداد ...

چون ... رسیدند ... شهید کردند ... ابن محمد بن امام موسی کاظم ...

... بموضع ... شهید کردند ... بن محمد بن امام موسی کاظم را ... رستاق ...

... ابن محمد بن امام موسی کاظم را ... رستاق شهید کردند ... ابن ...

... را در موضع ... رستاق بموضع ... شهید کردند جعفر ابن یحیی ابن امام موسی ...

فرزندان ... از بغداد ... بولایت ... زندان ... و ...

و حسن و ابو تراب و ابو ... و ... و یعقوب و جعفر و احمد و ... و ...

طالب و ... و لقمان و سلطان عیسی و موسی و ... و حافظ و ... و ...

و ... و صادق و ... و ... و نور الدین و ... و عبد الله و ...

الرزاق و ... و ... و ... از بغداد ...

بموضع ... رسیدند ... ابن ... موسی کاظم ... کلام ...

... فرزندان و ... ...

بسیار که مرکوب سید ابراهیم ابن امام موسی چندان حرب کرد در صحرای بی آب از چون شد
زخم الماس شاه زاده ابراهیم با جمع امامزادگان را در شهر ری در موضع المدرجی شهید کردند
قاسم رضا ابن صاحب ابن امام موسی کاظم از بغداد به ولایت رستمدار نهاده بود چون به موضع
کرار رسیده اند ایشان را شهید کردند امامزاده علی کیا ابن عون ابن امام موسی کاظم از بغداد به ولایت رشت آمده بود
نهاده بود چون به موضع کران رسیده اند ایشان را شهید کردند در موضع کیا رود او را مدفون کردند
بالقاب سید رضی نور است و عمر ابن محمد ابن امام موسی کاظم از بغداد به ولایت شمیران
نهاده چون به موضع اوین رسیده طایفه نواصب با امامزاده برآمدند بسیار جماعت کشته شدند
امامزاده منور از طرف شرق رانشته شهید کردند شاهزاده عبدالعظیم ابن زید ابن
هارون ابن محمد ابن ابراهیم ابن حسن ابن امام حسن را در باین شهید کردند
عبدالله ابن حسین ابن حضرت امام موسی کاظم را در موضع کوشک دشت درده
جایی شهید کردند فرزندان حسن ابن امام موسی کاظم فیروز و منصور و انوار از
بغداد در ولایت شیروان نهاده اند چون به شهر شماخی رسیدند و [illegible]
ذریات ایشان ملقب رشید با لقب موسوی اند و [illegible] امام موسی کاظم
حسینی و ابوطالب [illegible] از بغداد در ولایت الموت نهاده بودند چون
به موضع الموت رسیدند حسینی و ابوطالب به موضع اشتاب و [illegible]

روی شمیران

جایی که [illegible]

[illegible]

طایفه [illegible] که امامزاده در امر بسیار [illegible] امامزاده حسین و ابوطالب
با معلا نقیب [illegible] در موضع [illegible] شهید کردند رضا ابن امام موسی از بغداد [illegible]
نهاده چون به موضع [illegible] رسیده ایشان را شهید کردند [illegible] ابن امام موسی کاظم جعفر و سید محمد [illegible]
به ولایت قزوین آمده [illegible] در موضع [illegible] شیخ [illegible]
ابن [illegible] رسیده [illegible] شیخ [illegible]
[illegible] ابن [illegible] شهید [illegible]
[illegible] شهید شدند [illegible]
در خانه [illegible] امامزاده جعفر [illegible] و فرزندان [illegible]
محمد [illegible] امامزاده [illegible] شهید [illegible] فرزندان حسین ابن امام موسی کاظم
حسین و ابوطالب و ابوطاهر و ابوتراب از بغداد به ولایت [illegible] چون
[illegible] حسین و حسن به موضع [illegible] رسیدند ایشان را شهید کردند ابوطالب و ابو
طاهر و ابوتراب [illegible] به ولایت [illegible]
شدند بالقاب موسوی فرزندان قاسم حسین ابن حضرت امام شعیب [illegible]
منصور [illegible] از بغداد به ولایت [illegible] نهاده بودند چون [illegible] شهید

ایشان را شهید کردند حسین بن زیاد بن امام موسی را در ولایت ری شهید کردند امامزاده ابراهیم

محمد بن امام موسی کاظم را در توابع هزار جریب شهید کردند فرزندان ابوطالب بن امام موسی حسین و

یوسف را در پایان شاه کوه شهید کردند امامزاده بن امام موسی با فرزندان عمران و زید را در نهر

ری شهید کردند حارث را در موضع ... و ... شهید کردند امامزاده

زمین است که همه زمینیان شرف ... در این زمین ... کنند ... را

حساب ... بعد ... زمین ... حضرت پیغمبر ... زمین ... فرح است

... توابع شهر ... حضرت امام حسن بن علی بن ابی طالب که مشهور زمین

ماجرا است ... حضرت امام حسن در زمین ... شهرها ... زد جد

مازندران ... عظیم ... و ... در ... حضرت امام حسن ...

لیلیان ... در قلعه ... حضرت امام ... عبدالله

و ... قلعه ... و ... ندادن ... خراب ... گرفت

و ... را ... برادران امام ...

ماجرا ... رسیدند ... عظیم ... داشت ...

ماجرا است همه دشمن خاندان ... بعد ... امام‌زاده کان موضع ... رسید

... را وداع کردند بسبب لشکر امامزاده ... مجروح بود ... خارج ... ام ... بار در راه

کار ... شهید ... صورت ... رحلت ... کرد

... بر ... رحیان ... از ... بعد ... بار ... ایشان

و ... کشته ... امامزاده ... اشاره کرد بطرف درخت ... کرد کان ...

... که ... اتفاق کرده ... رحلت ... حضرت ... بیرون آوردند

... امامزاده ... امروز ... شهید ...

... حضرت امامزاده ... ازین ... بیرون آمد

... این ... حضرت ...

... کرد ... حضرت امامزاده نظر ... درخت ... کرد ... شیر خشت ...

شیر خشت ... کرد ... شهادت ... حضرت

... شیر خشت ... سال ... شیر خشت ... امام‌زاده ... ابن امام

در ولایت ... و ... در موضع ... امام ...

ایشان را ... اثبات ... برادران ... در آن موضع ... امامزاده

را شهید کردند ... مشهور است ... [redacted] ... فرزندان ...

بعد ... آن موضع ... برادران را شهید کردند ...

امام موسی کاظم را در موضع ... امامزاده ... شهید کردند ... امامزاده ...

خارج جبان دفن کردند میان دو برد جنب امامزاده ابراهیم ابن امام موسی رو بولایت ما زندران
نهادند چون بموضع شهید سمر رسید و بدرجه شهادت رسید در دیر دفن نمودند بالقاب ابراهیم
لو ثیند سوی گیلان ابن امام موسی کاظم را در ولایت ... طلب در موضع ... شهید کردند
فضل ... ابن امام موسی کاظم از بغداد رو بولایت شمیران نهادند چون بر ... رسید بموضع
رودبس ... او را شهید کردند حضرت امام علی ابن موسی الرضا جلال الدین اشرف ...
حضرت امام رضا ... مسجد ... سون ... شهید ... حضرت امام
اوسط ... اشرف از بغداد رو بولایت دار المرز نهادند چون شهر ... رسید و ...
شرح ... او را ... رشید حسین بن ابو طالب و علی ابن عون بن امام موسی کاظم رو
بولایت ... نهادند چون بموضع ... رسید ... شهید کردند محمد بن عبد الله بن
اشرف بن محمد ... ابن علاء الدین بن رکن الدین بن حسین بن ابراهیم ابن یوسف ابن ...
الدین ابن امام موسی کاظم از بغداد رو بولایت ... نهادند چون ... رسید
... وطن ساخت ... رشید بالقاب ... ابن عز الدین ابن محمد ابن ...
ابن ... ابن جمال الدین ابن امام موسی کاظم از بغداد رو بولایت ... نهادند چون
رسید و وطن ساخت ... بالقاب ... عبد الله ابن حسن ابن ...
ابن سلیمان بن ... ابن ابو طاهر ابن ... ابن محمد ابن ... بن امام موسی کاظم از بغداد رو
... نهادند چون بموضع ... رسید وطن ساخت ... بالقاب ...

ابراهیم ابن محمد

ابراهیم ابن محمد ابن عماد ابن محسن ابن یحیی ابن جعفر ابن مالک بن عون بن امام موسی کاظم
از بغداد رو بولایت ... نهادند چون بموضع عبد العظیم رسید و وطن ساخت در ...
بالقاب ... ابو طالب بن معصوم ابن جعفر ابن ... ابن ... بن زید
ابن ... ابن یوسف بن ... ابن ... ابن عبد الله ابن امام موسی کاظم از بغداد رو
بولایت استرآباد نهادند چون شهر استرآباد رسید و وطن ساخت ... رشید بالقاب
موسی ... ابن موسی ابن ... ابن عبد الله ابن ... ابن عزیز ابن ... ابن حمید ابن عون
ابن امام موسی کاظم از بغداد رو ... نهادند چون بموضع ... رسید و وطن ساخت ...
شد بالقاب ... فرزندان ... ابن حسن ابن امام موسی ... از بغداد رو بولایت فیروز
کوه نهادند چون بموضع ... رسید ... شهید کردند ...
عون ابن امام موسی کاظم از بغداد رو بولایت فیروزکوه نهادند چون ... رسید بموضع ...
شهید کردند ... ابن امام موسی کاظم از کرج رو بولایت فیروزکوه نهادند چون بموضع ...
... شهید کردند عبد الله ابن ... ابن امام موسی کاظم از بغداد رو بولایت ... نهادند چون ...
... رسید او را شهید کردند فرزندان طیب بن امام موسی کاظم محمد و احمد و ...
و ... رسیدند ... و بولایت شمیران نهادند چون بموضع ... رسید
... خبر یافته و بدرجه شهادت رسید در بیابان ... در میان ... شهید کردند
احمد و ... و جعفر از شهر ... نهادند چون ... رسید

شیرازی که جد ... [illegible] امامزادگان ... [illegible] احمد و محمد ابن

... بن الامام موسی را در موضع ... [illegible] شیخ ... [illegible]

... [illegible] چون ... [illegible] بن ... رسیده بعد از آن ...

بجوار رحمت حق پیوست فرزندان محمد بن الامام موسی ... [illegible]

... [illegible] چون احمد ... [illegible] شهید شد ... فرزندان

الامام موسی ... الدین و ... الدین و حمزه و قوام الدین از بغداد ... [illegible]

چون ... [illegible] شد ... و صدر الدین ... [illegible]

... [illegible] وطن ... ایشان ... الغائب سوی ...

... ابن الامام موسی ... و محمود ... از بغداد ... [illegible] چون ...

آن ... [illegible] امامزاده ... [illegible]

کاتب ... [illegible] شرح فرزندان و فرزندزادگان حضرت امام موسی ...

تحریر ... فرزندان آن حضرت ... [illegible]

... نوشت چون مامون ... حضرت امام رضا ... [illegible]

... [illegible] اطراف و جوانب ... [illegible]

روی ... از مامون ... [illegible] چون ... [illegible]

کار ... [illegible] حضرت ... [illegible]

[illegible]

که ... [illegible] فرزندان ... از اولاد ... [illegible] ولد امام موسی کاظم

اولاد ... حضرت ... [illegible] بن

... چون مامون ... ابن موسی الرضا ... امامزادگان ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible] حضرت

رسول ... [illegible] شد ... حضرت امامزاده ... [illegible]

حضرت ... [illegible]

چون شنیدند ... [illegible] امامزاده ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible] حضرت ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

از آن قطره ... [illegible] چون ... [illegible] ابن موسی الرضا ... [illegible]

... [illegible] چون این سخن شنیدند ... [illegible]

... [illegible] قلعه ... [illegible]

... مامون ... [illegible]

... [illegible]

چون این معنی از مضمون این نامه که بر همان نسبت حضرت [illegible] معلوم شد

[illegible] شهید [illegible] شد [illegible] حسن [illegible] نوبت [illegible] پیش [illegible]

و پس چون [illegible] رسید [illegible] ابوالفضل [illegible] را [illegible]

[illegible] بیرون [illegible] که [illegible] قطع [illegible]

[illegible] بیرون [illegible] سلطان [illegible]

[illegible] شهید شد [illegible] در [illegible]

[illegible] بیدار [illegible]

چون [illegible] سر [illegible] سلطان [illegible]

[illegible] از [illegible] سر [illegible]

[illegible] از [illegible] رسیدند [illegible] از هر طرف [illegible]

[illegible] در [illegible] ابراهیم [illegible]

[illegible] عبدالرحمن ابن [illegible]

[illegible] ابراهیم [illegible] سر [illegible]

[illegible] بیرون [illegible] عبدالله [illegible]

[illegible] چون [illegible]

در [illegible] شهید [illegible] عبدالله ابن [illegible] در [illegible] موضع [illegible]

اسکمان [illegible]

اسکمان [illegible] شهید [illegible] در موضع [illegible]

شهید کردند ابراهیم و سلیمان [illegible] شهید کردند در [illegible]

[illegible] ابن [illegible] در موضع [illegible] رسید [illegible]

[illegible] شهید [illegible] شدند [illegible] ابن [illegible] حسن [illegible]

[illegible] سر [illegible] شهید [illegible] فرزندان [illegible] ابن [illegible] حسن [illegible]

[illegible] در طرف [illegible] شهید کردند ابراهیم ابن [illegible] در موضع [illegible]

سلیمان [illegible] شهید کرد [illegible]

[illegible] کنند [illegible] در میان [illegible]

[illegible] سلیمان [illegible] در موضع [illegible]

[illegible] موضع [illegible] بن [illegible] خوانند [illegible] فرزند [illegible]

در [illegible] شهید کردند [illegible]

شهید کردند [illegible] عون بن [illegible] کردند [illegible]

[illegible] چون [illegible] رسیدند [illegible]

[illegible] پسران [illegible] برادران [illegible]

سر [illegible] فرزندان [illegible]

[illegible] چون [illegible]

این سخن شنیدند [illegible] شنیدند [illegible] سر [illegible]

[illegible] کردند [illegible]

ان بزرگواران را [illegible] بر بند و حضرت شیخ را چون جهت بسیار رسید و بعد [illegible] جهت خون
وان سرارا بالا امام زاده [illegible] آن یک زن دفن کردند و امشب صبح را [illegible] کردند
و ایوب بن یونس و ذکریا و شعیب و عبدالله و یاسر و [illegible] و عبدالمطلب و عبدالعلی امام زاده
و هاشم و ابوطالب و طاهر و جعفر و الیاس و بعضی فرزندان و فرزند زاده گان [illegible]
[illegible] چون بکنبد رسیدند چهار طایفه بودند [illegible] بودند بعضی [illegible]
[illegible] بزرگ جهود [illegible] حسن [illegible] سال [illegible] بودند جهود
لا امام زاده چون بکنبد رسیدند شب در قلعه در باغ جهود [illegible] بعضی مردم
ایشان [illegible] اشرف الدین [illegible] امام زاده [illegible] خبر کرد و چون
ظالمان [illegible] طایفه در باغ رفته ایشان را شهید کردند شعیب بن [illegible]
چون [illegible] رسیده بود [illegible] بزرگ [illegible] آمده [illegible]
نوع بعد روز [illegible] حق [illegible] در قلعه بزرگ [illegible]
را دفن کرده قبر ایشان در باغ حیات است لا امام زاده شعیب [illegible] ایشان [illegible]
[illegible] فرزندان [illegible] امام زین العابدین [illegible] و ابوالحسن [illegible]
کردند چون بموضع کنبد [illegible] رسید [illegible]
در خانه [illegible] داشت [illegible] خبر [illegible] شهید کردند [illegible]
[illegible] کرامات ایشان را [illegible] عبدالله [illegible]
و [illegible] امام زاده [illegible] در خانه [illegible] بیرون آمد

دید و نظر [illegible] ایستاد و [illegible] آن یک سلام کرد و گفت شما چه کسید که چنین
صورت [illegible] امام زاده گفت ای یک زن احوال غریبان چه میپرسی [illegible]
[illegible] آن یک زن گفت شنیده ام که از خیل اهل بیت [illegible] این شهر آمده اند [illegible]
افتاد [illegible] شاهزاده گفت ای یک زن [illegible] محبت اهل بیت رسول داری آن [illegible]
در آمد غرض که [illegible] جان من فدای اهل بیت رسول باد آن گاه شاهزاده [illegible] کرد
ان یک زن خود را بدست و پای امام زاده گان انداخت و قدم مبارک ایشان بوسید
در خانه رفت عبدالله [illegible] بود و زن گفت [illegible] فرزندان رسول خدا و حاضر
اند و [illegible] مرد مومن چون بشنید از خانه بیرون آمد دست و قدم امام زادگان بوسید
وایشان را در خانه [illegible] عباس [illegible] عبدالله رسیدند
[illegible] دیدند و [illegible] امام زاده [illegible]
آمده امام زاده گان را شهید کردند [illegible] بیرون [illegible] موسی [illegible]
در [illegible] شهر [illegible] شب [illegible] در طرف
آفتاب فرو رفتن [illegible] مسجد [illegible] بود که [illegible] در بیرون مسجد [illegible]
عبدالوهاب امام زاده گان [illegible] شب در ان مسجد بودند [illegible] کسی [illegible] احوال [illegible]
[illegible] عبدالوهاب در ان مسجد نگاه کرد و دید [illegible] اند [illegible]
چون [illegible] عبدالوهاب گفت ای بزرگان شما که اید [illegible]

در امامزاده‌ام و حضرت امام موسی کاظم فرزند ابراهیم مرد و چون بکمالات ایشان شنید بر سید آمد از
سید بیرون شده و از راه کربلا بعد از آن در خانه رفت و زن خود را گفت [illegible] نگاه امامزاد
گان را که از بعد آنکه بر دشت [illegible] که مهلک القلعه بود خبر یافته امامزاده را با همشیره
شهید کرده در حوالی همان سید دفن کردند و روایت اند که حضرت حسن ابن امام موسی کاظم در
خانه و شهربار افتاده و در خانه درویش صالح فرود آمد [illegible] در آن جا که [illegible] ملک
ابن الملک سفیان ابن عبدالملک مروان رفت و کلمات [illegible] دشت جرجه که راه خبر کرده [illegible]
با لشکر تمام در روز [illegible] امامزاده جعفر را شهید کرده تربت مبارک وی در سبزوار ده [illegible]
ده واقع است و باقی امامزادها در بسیار [illegible] خویش مشغول گردیدند زید ابن امام موسی کاظم
و عبدالرحمن و زید [illegible] و دختر و سکینه خاتون [illegible] طهران [illegible] و زید و عبدالرحیم
زید ابن امام موسی کاظم را در موضع ملک آباد [illegible] در کوچه [illegible] شهید
کردند سکینه خاتون بنت امام موسی کاظم را [illegible] عقب [illegible]
شهربار [illegible] خانه [illegible] جعفر را [illegible] اکنون [illegible] شد القاب [illegible] در موضع [illegible]
بماند جعفر ابن عبدالله ابن امام موسی کاظم را محمد [illegible] شهید کرد و امامزاده حمزه و زید
و عسکری که فرزندان یحیی ابن امام موسی کاظم بودند ایشان را در [illegible] شهید
کردند زینب [illegible] در [illegible] مشهور است اما دختران زید ابن امام زین العابدین
[illegible] و رقیه [illegible] در ولایت شهریار [illegible] خانه [illegible] گردان
بیرون [illegible] شهید کردند [illegible]

[illegible]

سکینه [illegible]

فرزندان [illegible]

فرزندان زید ابن امام زین العابدین [illegible] ابراهیم و حسن در موضع [illegible] ابن محمد
[illegible] فرزندان شهید کردند [illegible] و محمد [illegible] و فرزندان [illegible] ابن امام موسی [illegible]
محمد [illegible] و فرزندان شهید کردند امام هارون ابن امام موسی کاظم را در موضع [illegible] العباس [illegible] و فرزندان
شهید کردند و روایت اند که ابراهیم ابن علی ابن عبدالله ابن حسن ابن علی ابن امام زین العابدین
را در موضع [illegible] ناصر و فرزندان شهید کردند و روایت اند که فرزندان حضرت امام موسی
سلطان سید محمد و فرزندان و فرزندزادگان و برادران و برادرزادگان [illegible]
[illegible] بودند در ولایت قم [illegible] حضرت سلطان سید محمد را در ولایت [illegible] شهید کردند [illegible]
امامزاده [illegible] در شهر ساوه شهید کردند امام تقی ابن امام موسی کاظم را در ولایت [illegible]
سفیان ابن عبدالملک مروان شهید کرد حسن و محمد که فرزندان [illegible] ابن امام زین العابدین
بودند [illegible] در ولایت [illegible] موضع [illegible] شهید کرد [illegible] ابن امام موسی کاظم در [illegible]
[illegible] شهربار و ولایت [illegible] فرزندان [illegible] سید [illegible]
سفیان شهید کردند [illegible] عبدالله [illegible] شهید کردند [illegible]
الله ابن امام موسی کاظم را در موضع [illegible] افتادند [illegible] فرزندان ایشان [illegible] شد بالقاب
سادات [illegible] دختر [illegible] حکیمه و حلیمه [illegible]
دختران خود را [illegible] صالح و محسن و [illegible] قاسم ابن عبدالله ابن امام زین العابدین
در ولایت [illegible] در موضع [illegible] افتادند [illegible] بود [illegible]
[illegible] بود [illegible]
اند [illegible]

وهی بود بزرگ که خدایان معظم ورانده بودند مهتر ایشان جلال الدین بود امامزاده کان
پنجاه نفر بودند چون نامه امامزاده رسید در قفص و تجسس بیرون آمده اخوالدر خارجیان
امامزاده محسن و صالح که فرزندان عارف بن امام زین العابدین بودند ایشان را در
موضع بالبور بالای ده در موضع اقتاب بر آمدن بر سر راه شهید کردند جا شده مزار
مبارک ایشان جای است که گنبد نقدرت نداد و نکو فرزندان کوی پیدا شد که ایشان توی
فولاد و پیر داشت شد کردن ظالمان بر آمدند تا شصت نفر از خوارج را بکشتند فرزندان
چون نعلامت را ببندند رسیدند و بکلی از سر رفتند از پیم او بعد از آن کشته شدند
گویند در ولد دری ابیج معظم امام او سپهسالار کرد مان بود از الله بعد امام بن سبیب قعقاع خوجه بود
در شب موضع بالبور رفت امامزاده کا زاده فن که عبدالله بن امام زین العابدین خارجیان
بسیار مجروح کردند از پس جهت سعدی مبارک ایشان رسید و بعد مقبالعبد چون موضع
چار سور رسید و در خانه عبدالله سفر فرود آمدند از نسل اهل حبشی که بانک کار سکفت امام
زاده هفده روز در خانه او مردم بسیار بود و همان جراحت که از جهت حق بود در روایت امام
که کالج رود شهری بود که چهل هزار لشکر ندانی داشت دروازه اول موضع کوچک بود و در
زوم کانب گجر نشان سهمان رود در موضع شهر در رواره پنج در سپاهان و کوه که پای سر سوار
سیر و در دروازه دو هم در موضع کوه ستاق و هشت هزار حمام و هشت هزار مسجد جامع داشت
از همه ابواب سواران از صد بار لشکر بسته شهر کالج فرود آمدند امامزاده کان که از حضرت بسیار و
قمش شکست خورده مهاد و سی تن از لشکر رود اشتر و شهر کالج نهادند مهتر ایشان ابراهیم
ابن زید ابن امام موسی کاظم بود عبدالله و قاسم و حمزه و فرزندان علی ابن محمد قریب ندر العبه و مهمومی
و شهر بانو فرزندان امام زین العابدین بودند عبد و کس و بهاء عدد فرزندان امام ولی بن زید
ابن امام حسن بودند که بعل وادمان و بیوع و شعیب و معتقدان صد نفر بودند ابوالحسن و نفر

از فرزندان امام

فرزندان از حمزه ابن جعفر ابن امام موسی بودند رود و بدار الملوک نهاوند چون شهر کالج رسیدند
در پایان مسجد جامع بهم بودند و در آن مسجد بهم بودند ر اوی که و در آن مسجد نعایت بزرگ
سبیل آب پر بار داشت هر جمعه چراغ بسیار روشن کردندی بزرگ شهر را مسجد امام بود
از نسل شمر ذی الجوشن علیه اللعنه بود و خانه امامزاده در محله ور بود و او را پسر بن نعمان
بسیار بود بزرگ و دیگر در محله کالج که مسعود بن محمد بن ابی طالب که عزوی حربی
امیرالمؤمنین بود حضرت امام حسن و امام حسین از کشف خود بزرگ شهر و ایشان محمد کالج
خرید و بعد به القاب کالج مشهور است چون خارجیان خبر امامزاده را شنیدند لشکر از
سواره و پیاده بر سر امامزاده کان آمده حرب عظیم کردند امامکیان ابن عبدالله ابن زید
قعقاع خواجه که القاب و رهبان رکو منید و عمر ابن قعقاع عبدالله و رفیع ابن ابی طالب
خبر کرد المؤمنین قریب سه هزار مرد که در ستدار اهل بیت بودند سوار شده بجنگ لعل رسیدند
خارجیان هفتاد و سه تن امامزاده کان را شهید کردند صالح ابن زید ابن امام موسی کاظم
با هشتاد تن حرید در سرای دو شهید کردند باقی فرزندان رو با طرف وجه انب نهاوند
چون لشکر اسلام بدانجا رسیدند امامزاده کان را کشته دیدند عمر ابن عبدالله گفت
همان زر بگردم تا قاتلان را یک یک بکشم نفرستم ابن کعب و طلبه فرود آمد شدند و با بهای
حرب دمیدند و علمهای سبز و سفید بر پا کردند سواران الطریق رعد و پیاده کان
مانند شیر زبان رو بان مشرکان نهادند انگاه عمر گفت هر که و انند و انند هر که بنزد
کوم تا براند که من عمر ابن عبد ابن رفیع ابن ابی طالب هم و طالب خون شهیدان
هستم که مهیا بی نشان چابک بیرون آمد و حرب و دست بر ابر جنید ابن کعب
دهی برج لب زد و کعب از لشکر اسلام بر گشته و چون بحق امامزاده کان بار بسته اند

چون لشکر اسلام این سخن شنیدند همه بران شیر گردند صف لشکر کفار را در هم زدند
و شیخ حسن را کشتند و او را با تنش لسبو فضل بن عثمان که امامزاده را به قتل رسانیده بودند
و لشکر ایشان را تا حوالی هرات و اسفزار بردند شهر رود و ولایت آنجا را گرفتند و زنهاری ایشان را
اسیر کردند چون امامزادگان از نیشابور رفتند و به هر سمت رفتند و بعضی به هرات و هادی و
دو برادر که فرزندان حضرت امام موسی کاظم بودند از دست خارجیان به هر سمت گریختند چون
در راه به [illegible] رسیدند خارجیان جلال الدین و فرزندش در راه [illegible] بعد از آن هشت امامزاده
را به میان [illegible] از جمع خارجیان بعد از آنکه خبر کردند بدگمانان امامزادگان را بسیار
مبالغه کردند احوال را که یحیی بن زید را جلال الدین علوی فرزندش شهید کرده دست در بغل
امامزاده گرد [illegible] یک برگ نیافت موسی بن علی ابن موسی الرضا و نیز و زید و حسن و محمد و جعفر
و طیب و رضا و حسین و یوسف و سالم و قاسم هر از ده تن امامزاده ها اند چون
انیس [illegible] رسیدند تعمیر آن دو خالد با هزار و هفتصد [illegible] در بازار شیر [illegible] با امان
زادگان بسیار جنگ کردند احوال امامزادگان را در شهر انیس [illegible] شهید کردند
مظلومان از دست ظالمان [illegible] سر در بیابان متفرق شدند بعضی از فرزندان امام موسی
به ولایت [illegible] اطراف [illegible] افتادند فرزندان مطهر ابن مهدی ابن امام موسی علیه السلام
محمد الله و محمد و علی [illegible] به ولایت [illegible] رسیدند [illegible] خبر یافته در میان
امامزادگان آمده بسیار جنگ کردند امامزادگان به هر سمت [illegible] گریختند
عقب [illegible] رفتند چون به موضع رسیدند ایشان را شهید کردند محمد الله را [illegible] زخم
رسیده بود در بیابان [illegible] رسیده [illegible] به رحمت حق پیوست [illegible]

که سلیمان و خالد و جعفر و [illegible] دستان [illegible] چون به شهر حلب رسیدند ایشان را شهید کردند
لاعبدالله و جعفر و محمد را به ولایت [illegible] رفتند چون به موضع [illegible] رسیدند طایفه
ایشان را شهید کردند [illegible] قاسم بن اسحق بن امام موسی کاظم به موضع [illegible] طایفه
[illegible] شهید کردند در جایگاه [illegible] امام و سلیمان ابن محمد [illegible]
در آن موضع دفن کردند و مشهد ساختند فرزندان [illegible] عبدالله بن زید بن
یحیی بن صالح ابن امام موسی کاظم ابراهیم و اسمعیل و اسحق و حمزه و داود [illegible]
[illegible] دختر امام و دیگر ایشان [illegible] در شهر [illegible] حضرت امام
حسن عسکری را [illegible] طلبیدند [illegible]
احوال [illegible] که امامزادگان [illegible]
[illegible] اسحق و حمزه [illegible]
به هر سمت [illegible] چون [illegible]
چون به شهر بغداد رسیدند [illegible] از خارجیان [illegible]
خبر یافته [illegible] ابراهیم ابن [illegible]
کمان چون خبر [illegible]
[illegible] بالقاب [illegible]

مادر ایشان سکینه [illegible] امام [illegible] را شهید کرد و خواستند که تن امام [illegible] را بسوزانند
چون آتش در او نگرفت [illegible] سر امام [illegible] چون روز شد [illegible] بسیار گریستند
تا به درجه شهادت رسید [illegible] در سنه [illegible] از هجرت نبوی در سنه
دویست و [illegible]

در بیان اولاد امجاد حضرت امام [illegible]

موسی الرضا [illegible] فرزند بود [illegible] حضرت امام محمد تقی [illegible] و علی [illegible] حسن و
یعقوب و ابراهیم و فضل و جعفر [illegible] احمد بن علی بن موسی الرضا علیه السلام [illegible] فرزند
بود [illegible] عبدالله و [illegible] جعفر [illegible] محمد [illegible] امام [illegible] النقی [illegible] فرزند بود [illegible]
ابوطالب و حسن و نعمت و صالح [illegible] بن [illegible] فرزند بود [illegible]
محمد و احمد و محمود و طیب و موسی و جعفر و عبدالله [illegible] بن موسی [illegible]
اسامی [illegible] و شعیب و یحیی و مالک و حمید [illegible] عبدالله ابن موسی [illegible]
[illegible] فرزند بود [illegible] عمران و [illegible] فضل و یعقوب [illegible] ابن [illegible]
[illegible] و سکینه و شریفه ابوطالب بن یحیی النقی را دو فرزند بود یعقوب و یوسف
و خالد و حامد و صالح و [illegible] دختران حلیمه و [illegible] یوسف ابن یعقوب بن الامام
پنج فرزند بود [illegible] و نوح و ابراهیم [illegible] ابراهیم ابن حضرت امام رضا
بود حسن و محسن و [illegible] عبدالله ابن جعفر بن الامام [illegible]

بود [illegible]

[illegible] امام محمد تقی را
[illegible] الغضب و العذاب [illegible] شهید کرد [illegible] اولاد [illegible]
[illegible] مضمون [illegible] برآورد [illegible] چون [illegible]
[illegible] خروج کرد [illegible] الفضه [illegible] کاشان [illegible]
[illegible] یعقوب [illegible] ابراهیم ابن موسی الرضا [illegible] شهید کردند
[illegible] ادریس [illegible] نقی و جعفر [illegible] ابوطالب [illegible]
[illegible] شهید [illegible]
[illegible] ابن یحیی ابن موسی الرضا [illegible] چون [illegible]
[illegible] ابوطالب [illegible] چون [illegible]
[illegible] چون [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

داد و از بلند کرد ای یاران [illegible] که این شخص امام است [illegible] از حمام بیرون
رفت [illegible] شهر را خبر کرد از آمدن شاهزاده حسین چون مردم قزوین این سخن شنیدند بحمام
رو در کشیدند در حمام شاهزاده حسین را شهید کردند باین معنی که او را خفه کردند امامزاده
هادی بن امام رضا عبدالله و محمد و داود از آنجا رو بولایت [illegible] نهادند چون بموضع [illegible]
رسیدند وطن ساختند ذریات ایشان بسیار شد بالقاب [illegible] فرزندان [illegible] ابن
امام رضا ابوطالب و صالح و نعمت از مدینه رو بولایت [illegible] نهادند
در آنجا وطن ساختند ذریات ایشان بسیار شد بالقاب علوی فرزندان یعقوب
امام رضا یوسف و [illegible] از بغداد رو بولایت [illegible] نهادند چون بشهر [illegible] رسیدند ایشان را
شهید کردند [illegible] ابراهیم ابن امام [illegible] محمد و احمد و محمود از بغداد رو بولایت
[illegible] نهادند چون بموضع [illegible] رسیدند ایشان را شهید کردند ابراهیم ابن امام رضا با فرزند
[illegible] از بغداد رو بولایت ری نهادند چون بشهر ری رسیدند [illegible] از آن
رو بولایت [illegible] قصران نهادند چون بموضع [illegible] رسیدند ایشان را شهید کردند
[illegible] که ابراهیم و یعقوب و [illegible] ابن امام رضا از ری رو بولایت کاشان نهادند
چون بشهر کاشان رسیدند ایشان را شهید کردند فرزندان [illegible] ابن امام رضا
عبدالله و جعفر رو بولایت [illegible] قصران نهادند چون بموضع [illegible] رسیدند ایشان را
شهید کردند فرزندان [illegible] امام رضا سلیمان و [illegible] و شعیب و [illegible] از مدینه [illegible]

ری افتادند چون بشهر ری رسیدند متفرق شدند [illegible] از ری رو بولایت
طارم نهادند چون [illegible] رسیدند [illegible] از عقب ایشان [illegible]
کردند [illegible] بطرف [illegible] آمدن [illegible] خانه در [illegible]
[illegible] ولایت ری رو بولایت [illegible] نهادند چون [illegible] رسیدند آنحضرت را
شهید کردند مالک و عبید از ری رو بولایت [illegible] نهادند چون بشهر
[illegible] رسیدند ایشان را شهید کردند فرزندان عبدالله ابن [illegible] ابن امام رضا [illegible]
[illegible] از مدینه رو بولایت بغداد نهادند چون بشهر بغداد رسیدند ایشان را
شهید کردند دختران [illegible] فاطمه و [illegible] سکینه و [illegible] صفیه از بغداد رو
بولایت شیراز نهادند چون بشیراز رسیدند ایشان را شهید کردند فرزندان ابوطالب ابن
امام رضا یعقوب و یوسف و خالد و [illegible] سالم و ناصر از مدینه رو بولایت طالقان نهادند
چون بشهر طالقان رسیدند ذریات ایشان بسیار شد بالقاب علوی دختران
ابوطالب ابن محمد تقی ابن امام رضا [illegible] از بغداد رو بولایت تبریز نهادند چون
بشهر تبریز رسیدند ایشان را شهید کردند فرزندان یوسف بن یعقوب بن امام رضا
حمزه و [illegible] و نوح و [illegible] از بغداد رو بولایت خراسان نهادند چون بشهر طوس رسیدند
وطن ساختند ذریات ایشان بسیار شد بالقاب [illegible] فرزندان [illegible] ابن امام رضا

حسن و محسن را در ... شهید کردند امام قاسم و یحیی و زید از همدان رو بولایت
سلطانیه نهادند چون بسلطانیه رسیدند ایشان را شهید کردند و دختران ایشان را بسه زهرا
و کبرا از بغداد رو بولایت کاشان نهادند چون بکاشان رسیدند ایشان را شهید کردند
امامزادگان عبدالله بن جعفر ابن امام رضا و موسی و عباس و هرون از مدینه رو بولایت
ری نهادند چون بشهر ری رسیدند ... امامزاده یحیی بن عبدالله رازی
رو بولایت شمیران نهادند چون ... رسیدند شهید کردند فرزندان عبدالله
ابن جعفر ابن امام رضا ... رو بولایت اصفهان نهادند چون بشهر اصفهان رسیدند
ایشان را شهید کردند عباس و هرون را در شهر ری شهید کردند و دختران وی سکینه و
حلیمه و رحیمه ... از بغداد رو بولایت ... نهادند چون بشهر ... رسیدند ایشان را ...

در ذکر اولاد امجاد حضرت امام محمد تقی ...

بود حضرت امام ... نقی و ابوالحسن و ابوطالب و زید و موسی ... و ابوالحسن ابن امام محمد تقی
سه فرزند بود محمد و زید و مالک ابوطالب بن امام محمد تقی را ... فرزند بود ... و ...
و دو اولاد امامزاده عبدالله ابن الحسن بن امام محمد تقی را ... فرزند بود شعیب و محمد و محمود و حسن و دختران
... ابوطالب بن امام محمد تقی را ده فرزند بود سالم و صالح و صادق
و ایوب و ... و عقیل و دختران ام سعد و ام کبرا و ام کلثوم و زینب زین العابدین
ابن امام محمد تقی را چهارده فرزند بود یحیی و ... و مالک و ... محمود و ...

المعروف ...

و یعقوب و ... دختران ... و رقیه و سکینه و زبیده امام طاهر ابن ابوطالب
ابن حضرت امام محمد تقی را سه فرزند بود موسی و مومن و محمد در ... را ولیعهد کردند چون
ملعون حضرت امام محمد تقی را زهر داد و شهید کرد و قصد اولاد و ائمه کرد امامزادگان
رو باطراف و جوانب نهادند امامزاده ابوطالب و زید از بغداد رو بولایت ... نهادند
چون ... رسیدند ایشان را شهید کردند حضرت امام علی النقی در شهر سامره ...
... امام ابوالحسن و موسی و جعفر با اولاد و حشم از بغداد رو بولایت ری نهادند چون
بری رسیدند ... ... امامزادگان ... کردند ...
ابن مبارک ایشان رسید ... ابراهیم ابن جعفر ابن امام محمد تقی را در ... شهید
کردند امامزاده ... ابن امام محمد تقی بولایت طهران افتاده ... فخرالدین ...
... فخرالدین ... را ... و برادران ...
بمنزل ... امامزاده ... را شهید کردند امام ابوالحسن ابن امام محمد تقی را یک فرزند از ...
ری موضع ... افتاده ایشان را شهید کردند امام موسی و جعفر با اصحاب و فرزندان
رو ... نهادند چون ... رسیدند با ... مستعفان ... آمدند ...
باری ... چون امامزاده ... را ...
خبر کردند امامزاده ... را شهید کردند ... در ... چهار صد ... ولیعهد
... مامون الرشید ... شد که اگر اولاد و ائمه ... امام
... خبر ... مامون ملعون ... رو بولایت
آهنگ ... نهادند چون بموضع ... رسیدند ... که ...

الخوارج گفت ای شعبان خبر آورد ایشان وارد این زمان تیغ گفت اگر در چند
بن و بهر شهر را بسوی ایشان و دلالت کنم در هم چند شعبان و لکن در الملعون
شدان سوار بر سر راه لا امر لکه من بیاید در همه روز ازان صد و چند
ده با امر لشان این اند الحق چه پره و کاز فرزندان مسیب قعقاع و عیوه بند
ای گار و و بر دار تیغ مر مخالفان بالا امر لکه من جمال سر عظیم گویند که
عمران موسی ابن جعفر بن الامحمد تقی با جمع خویشان و اقربا و برادران شش هزار خوارج را
بجهم رسانیدند از اولاد جعفر و موسی و قاسم و حسن و جابر و واقعه و شهر و حسن و یونس و
اسد و عبدالله و زید و زین العابدین و محمد و حیان ابی الامر لکه من را شهید کردند و در این
قضیه در زمانه شهر شعبان ثقفی از راه دی کو بود در همان روز خبر آمد که بیرون
از رشید در هزار زوار بزرگ و جهی شد لا عبدالله و ابراهیم ابن محمد قاسم ابن عباس
علی بن محمد ابن مسیب قعقاع خزاعی چون این خبر شنید شاد شد جمعی ابن علی
کمر انتقام در میان بستند بید و حق فرزندان الامحمد تقی را از این ظالمان بستانیم همه گفتند
فرمان برداریم الغاه همه مسیب زیر پا کرد و روید ظالمان کفر کیش بهار
دو هزار ان همه مردان برهنه و دست بر سر زنان و در و خروشان رفتند چون شعبان با دو
رسیدند عبدالله گفت ای حرامزاده دیدی چگونه آتش زیر درخت مبارکه نهادی
شاه او بر گیاه سوختی الغاه عبدالله ضربتی بر سر الخوارج المعهود زد چنانکه تا سینه دو
لنگ شد لشکر اسلام هجوم کرده همه ایشان کشتند تا لشکر کفار رسیدند خود را در میان

خاک و خون ایشان را در همه شده و در باب آورده لا امر لکه من را و قت چند هزار و خمسه
پانصد نفر این عمان خویش را در عقب رحمان رفته هزار تن خارجی را مجروح
لا جعفر ابن موسی ابن الامحمد نفر را روز کشته شدند عبدالله لا امر لکه جعفر را به خود برد جهت
ابن مبارک او رسید و بعد از ان عبدالرحمن نیام و دشت الحجر جهت اسب را
خرت شد عبدالله و خبر جعفر زینب العقد لا امر لکه در آورد لا جعفر ابن الامحمد تقی را
محمد کلباد بجا بیت کما زرین کمر کلباد عنایت لا زرین کمر کلباد پنج فرزند محمد سعد را
و محمد و داود تا در زمانه شیعه متوکل سب الغالا به علی این نفر را زهر داد و شهید کرد لشکر
اندازه جمع کرده رو باطراف و جوانب نهاد بر حاکم و لاد که هر بیت بود روی
ولایت نهاد این متوکل ملعون چون بولایت لار رسید کلبا یان از آمدن الخوارج او
خبر یافته ایشان نیز جمیع ابن علی خویش را جمع آوردند جهت جنگ عظیم کرده از بعد
ملعون به پیام کشته شد متوکل ملعون گفت ای کلبایان فرزندان ابوتراب را بنهان
کرده بود سوی ایشان را و چگونه نهان دارید من شما را زنده نخواهم گذاشت تا ایشان را
بدست بیاورم باز گفت کلبایان گفتند ای خوارج اگر ما را از ما بتقریب بستانید ما
ایشان را بدست نخواهیم داد آن حرامزاده چون دید چاره نیست و شنیدند بند الغاه
دست باز داشت لا جعفر ابن الامحمد تقی بموضع اردو را جهت حق بیت
لا کلبا بموضع صفی کان رسیدند مدت روز کار در آنجا بسر بردند لطریق
لا وا ابراهیم خطابت مشغول بودند و همه را بر اهل بیت دلالت کردند حرم

نالم

مردم مرید و معتقد وی بودند و از وی کرامات بسیار دیدند در زمان پادشاه عراقی
سلطان سنجر بود چون خبر بسلطان سنجر رسید اب در دیده بود بنشد و بتوبه
دار الملک ری ستمدار الکرد و بدید چون بزیر کوه رسید در خاطر گذشت اگر حضرت سید
کیارا در ولایت ری بسی اهانت ها رسانید این زمان اگر چون قدم در کوه نهد بقدرت
حقتعالی کوه بلرزه در آمد و همه سپاه سنجر افتادند و ترسیدند و قت بود بر کوه فنا
شود ناگاه آوازی شنیدند اسکنی ای کوه آرام گیر آن کوه قرار گرفت و روایت
میر قرشد تا بوی سلطان محمد کیا رسید چون عملات و معجزات که حضرت سید
آن چند هزار کس بودند که در بیابان نشستند و ایشان هر کس بدرجه شهادت رسیدند
بمحله تصرف که حضرت سید و نقار روضه منوره ایشان مشهور است و همچنان
ماند تا روز قیامت حضرت سلطان محمد بهمان موضع که از جهت حق هدایت که سید
و نیز اسب کیا در ولایت ری الموقع و طبا شهید شدند و بیابان کیا رسید شد با
زرین کمر امام زاده حسین ابن یحیی ابن محمد ابن عبد الله ابن زرین کمر ابن جعفر ابن موسی ابن
حضرت امام محمد تقی را در فرزند بود موسی و احمد چون شهادت حضرت امام رضا در ولایت
اصفهان رود شهر ری بود چون بشهر ری رسیدند در آن موضع که و برادر شهید کردند
محمد و یحیی و ابراهیم را شهید کردند امام موسی و اسحق را در شهر و راهی در پایان سوقچه در
در پایان بود شهید کردند و موسی را سه فرزند بود حسین و صالح و قاسم ایشان را نیز در
شهید کردند و ابو طالب را چهار فرزند بود جعفر و ناصر و یعقوب و عبد الله و در کوه
دشت جز شهید کردند جعفر را دو فرزند بود قاسم و یحیی ایشان را در ولایت ری موضع

ابو طالب شهید شد

که حلال شد شهید کردند و در آن قبر فرزندان حسن و حسین و یوسف و شعران رسیده ... الله عنه
ایشان را در شهر ری در مسجد جامع شهر ری مشرق شهید شده اند و تن مبارک ایشان در خاک ... قطعه
بود که کس بالای آن نهد و تن مبارک آن بزرگوار را دفن کنند چون شب در آمد در ... قضا آن
که بود امام دو جا ... و اثر و راه چهار پسر بود و محمد و ... ل اما زاده کان را در همان
موضع دفن نمودند امام حسن را چهار فرزند بود محمد و زید و حمزه و ادریس ایشان را نیز در ری در همان
شهر محمد را کس ... فرزندان حمد ابن ازرق دمشقی شهید کرد و محمد را سه فرزند بود ابراهیم و محمد و ... ایشان را
در ولایت و راهی موضع دفنت کردند شهید کردند ابراهیم ابن محمد ابن حسن ابن جعفر ابن ابی
طالب ابن حسین ابن موسی ابن محمد ابن هارون ابن محمد ابن زید ابن امام حسن را در شهر ری
در ولایت و راهی در آن زمان چون بموضع زمین رسیده بودند طمع ساختند در زمین ... ذنبه
که فقه البعوه محمد سری در زمین بغداد و ری سلطان ابن عبد الله کلینی که معتمد او بود و ... بغداد
ابراهیم را در رود و ابراهیم را چهار فرزند بود قاسم و حسین و محمد و ابو الحسن در زمین وطن شدند در بیابان
در اخبار
کیا رشد بالقاب زمین
امامزاده است حضرت امام علی النقی را پنج فرزند بود حضرت امام حسن عسکری و محمد و حسین و عبد الله
زید و موسی امام محمد ابن امام علی النقی را نه فرزند بود طالب و محسن و اسحق را
و محمد و عبد الله و جعفر امام یحیی ابن حضرت امام علی النقی را دو فرزند بود جعفر و محمد و زین العابدین و داود
و حبیب الله و رحمة الله و لطف الله و عنایت الله و نعمة الله امام عبد الله ابن امام علی النقی را چهار فرزند
بود امام و محمد و جعفر را احمد امام زید ابن امام علی النقی را سه فرزند بود ابراهیم و اسمعیل و یعقوب امام موسی ابن

لا [illegible] محمد و حمزه او را موسی الف می‌خوانند اما ابوطالب بن محمد بن امام محمد التقی را شش فرزند

بود قاسم و صالح و سالم و صادق و خالق و ادریس و مالک و جعفر [illegible] ابن امام علی النقی را

چهار فرزند بود جعفر [illegible] [illegible] ابن عبدالله ابن امام علی النقی را سه فرزند

بود یوسف و یونس و سلیمان و دختر حسن و قاسم و عبد المطلب و ابو الفضل و عبد المعالی

اما ابراهیم ابن زید ابن امام علی النقی را شش فرزند بود المهدی و افطس و اولی و حمید و محمود و

والعباس و در اخبار آورده اند که چون صاحب علیه اللعنة والعذاب خروج کرد نامه باطراف

دعوت فرستاد در شهر مدینه [illegible] چون نامه بشهر رسید با پدر نامه را [illegible] ابو [illegible] را

چون نامه ان زندیق رسید [illegible] خروج کردند [illegible] روی باطراف [illegible]

[illegible] موسی الف برادران روی بولایت قم [illegible] چون [illegible] رسیدند ایشان را شهید

[illegible] در [illegible] شهید [illegible] ساختند و را بالقاب موسی الف خوانند فرزندان محمد ابن

امام علی النقی [illegible] روی بولایت خوی [illegible] چون [illegible] خوی رسیدند

ایشان را شهید کردند فرزندان حسن ابن علی النقی [illegible] زین العابدین روی بولایت شیراز [illegible]

چون بولایت شیراز رسیدند ایشان را شهید کردند [illegible] کرمان [illegible]

چون بکرمان رسیدند ایشان را شهید کردند فرزندان عبدالله امام علی النقی [illegible] و محمد روی بولایت [illegible]

چون [illegible] رسیدند [illegible] روی بولایت [illegible] چون [illegible] رسیدند

محمود [illegible] شهید کردند [illegible] زید [illegible]

ابراهیم و اسمعیل و یعقوب [illegible] روی بولایت [illegible] شهید کردند

[illegible]

اما جعفر ابن حسن ابن امام علی النقی از شیراز [illegible] چون [illegible] رسیدند ایشان را شهید کردند فرزندان

ابوطالب علی و قاسم و سالم و صادق و ادریس [illegible] بولایت سمرقند [illegible] چون بشهر

رسیدند ایشان را شهید کردند فرزندان جعفر ابن حسن ابن امام علی النقی [illegible] محمد

از [illegible] روی بولایت [illegible] چون [illegible] رسیدند ایشان را شهید کردند فرزندان محمود ابن حمید ابن

ابن امام علی النقی یوسف و یونس و [illegible] و دختر حسن و قاسم و عبد الفضل و عبد المطلب و ابو المعالی

[illegible] روی بولایت [illegible] ذکور [illegible] اصحاب [illegible]

[illegible] چون [illegible] رسیدند [illegible]

[illegible] سلطان [illegible] جلال الدین [illegible]

[illegible]

[illegible] ملک [illegible]

[illegible] حضرت رسول خدا را در خواب دید [illegible]

[illegible] جلال الدین [illegible] در عراق [illegible]

[illegible] از خواب [illegible]

[illegible]

[illegible] ابن ملک [illegible]

ابن ملک شاه [illegible] ملک [illegible]

[illegible]

[illegible] در موضع [illegible]

زن شهید کردند [illegible] حضرت سید جلال الدین اشرف [illegible] ابوالحسن [illegible]

[illegible] چون بشهر لاهیجان رسیدند [illegible]

بیعت کردند [illegible] حضرت [illegible] در ولایت [illegible]

[illegible] علیه اللعنه در ولایت [illegible]

[illegible] علیه اللعنه و العذاب [illegible] سید جلال الدین [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] سید [illegible]

[illegible]

وی [illegible] در خون [illegible]

[illegible]

از بغداد رو بولایت [illegible] چون بشهر [illegible] یونس و سلیمان [illegible]

[illegible] شهید کردند [illegible]

[illegible] شهید کردند [illegible] ابن رضا ابن حضرت امام موسی کاظم [illegible]

در ولایت [illegible] فرزندان ابراهیم ابن امام [illegible] اطهر و فاطمه [illegible]

[illegible] از بغداد رو بولایت [illegible]

[illegible] شهید کردند [illegible] در موضع

[illegible]

[illegible] شهید کردند [illegible] در موضع [illegible] شهید کردند [illegible]

[illegible] شهید کردند

[illegible] حضرت امام حسن عسکری [illegible]

[illegible]

[illegible] ابن [illegible]